در این شماره:
گزارشی از شرکت معدنی دونا زیمبابوه: انقلاب آفریقائی...
شعر از طاهره صفارزاده
محرم، ماه خون و پیام

امت

وکذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا

تهدیدات و تبلیغات دامنه‌دار دولت آمریکا بقدر پشیزی نزد ما ارزش ندارد، نه تهدید نظامی او عاقلانه است و نه تهدید اقتصادی او واجد اهمیت.
امام خمینی

چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۵۸ — سال اول شماره ۳۲ — بها ۱۵ ریال

حل انقلابی مسائل داخلی ضامن پیروزی بر امپریالیزم میباشد

● شما منافع و رضایت میلیونها دهقان را بخاطر معدودی مالک و فئودال نادیده می‌گیرید.

امواج تظاهرات و مخالفت با امپریالیسم آمریکا گسترش توده‌ای می‌یابد. شعار مرگ بر امپریالیسم آمریکا که در لانه جاسوسی در سفارت آمریکا برخاست در فضای همه شهرها و روستاها و هرجا که ایرانی هست، طنین افکنده است، و توده خود را آماده یک نبرد طولانی علیه بزرگترین قدرت شیطانی جهان می‌سازد، در حال حاضر سرعت اوج‌گیری احساسات ضد امپریالیستی خیلی بیشتر از افزایش آگاهی درباره امپریالیسم و چگونگی مبارزه با آن است. در یک نبرد در درجه اول باید دشمن را با همه توانائیها و ضعف‌هایش شناخت و هم‌جبهه خودی را. و نیز باید بر اصول و راه مبارزه با دشمن آشنا بود. سر دادن شعارهای ضد آمریکائی و برگزاری تظاهرات به‌تنهائی برای درهم شکستن قدرت امپریالیسم کفایت نمی‌کند، دشمن برای شکست دادن انقلاب خلق ما از پیش نقشه‌های دقیق طرح کرده و اجرا می‌کند. دشمن از همه آگاهیهای علمی، اجتماعی و توانائیهای فنی و تبلیغاتی علیه ما استفاده می‌کند. دشمن همه نقاط ضعف ما را می‌شناسد و سعی می‌کند از همان جاها بر ما حمله کند و انقلاب را از پای درآورد. آیا خود نباید این نقاط ضعف را بشناسیم و درصدد رفع آن برآئیم؟ جبهه داخلی ما بقدر کافی از وحدت، انسجام و قدرت و آگاهی برخوردارست، آیا ما از نقاط ضعف دشمن خود اطلاع داریم و نقشه‌ای برای خنثی کردن توطئه‌ها و تبلیغات آن؟!

اول باید به‌این سئوال پاسخ دهیم که در مبارزه با آمریکا فقط شاه را می‌خواهیم که بما تحویل دهند و محاکمه و اعدام کنیم و اموال غارت شده را پس بگیریم؟ یا در این مبارزه هدفمان قطع نفوذ و ریشه‌های سلطه آمریکا بر ایران است؟ در صورت اول تکلیفمان روشن است، گروگانها را تا تحویل شاه نگاهداریم و به‌تهدید خود ادامه دهیم، البته در اینصورت چون دشمن بیکار نمی‌ماند باید قدرت مقابله و دفع ضربات بی‌درپی آنرا بدست آوریم، در صورت اتخاذ چنین سیاستی دشمن در موضع تهاجمی قرار می‌گیرد و ما در وضعیت تدافعی، چنانکه الان تا حدی برقرار شده است. حملات و تهاجم گسترده تبلیغاتی آمریکا و همه محافل صهیونیستی و امپریالیستی و مستحدان آنها در سراسر جهان علیه انقلاب ایران به‌اوج خود رسیده

بقیه در صفحه ۲

پیام امام خمینی به‌مردم کردستان

متن پیام امام به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. سلام بر خواهران و برادران کرد که با وفاداری خود به اسلام و جمهوری اسلامی از توطئه خائنین به کشور جلوگیری کردید گزارشات هیات ویژه همانطور بود که متوقع از برادران و خواهران کرد بود که هرگز خود را از اسلام و ایران جدا نمیدانند و آنچه بدخواهان به آنان نسبت میدهند چیزی جز افساد و توطئه‌گری نیست اکنون من باید بشما برادران و خواهران کرد و سایر برادران مطالبی را تذکر دهم.

۱ ـ در این موقع حساس که ملت ما با جباولگران که در راس آنها آمریکا مواجه هست و برای احقاق حق و بدست آوردن ذخائر هنگفتی که محمدرضا پهلوی به‌غارت برده و به محاکمه کشیدن این جانی قیام نموده و همه قشرهای ملت با هم در این امر حیاتی متحد و همصدا شده‌اند برادران و خواهران کرد ما هرجا هستند باید بطور اولویت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهران و برادران هماهنگ شوند و لازم است از اختلافاتیکه بدخواهان ایجاد میکنند بطورقاطع جلوگیری کنند.

بقیه در صفحه ۸

پیرامون مجلس خبرگان و اصول اقتصادی قانون اساسی

* آیا اصول اقتصادی قانون اساسی که اینهمه مردم محروم بدان چشم دوخته‌اند، میتواند سرمایه‌داری، بویژه سرمایه‌داری وابسته (صنعت مونتاژ) و فئودالیسم را از بین ببرد.؟

چند روزی بیشتر نیست که ستاد عملیاتی سیا در ایران، توسط دانشجویان مبارز و مسلمان، کشف و تسخیر شده است. اینکه میگوئیم، کشف، باین معنا که هر روز لایه‌های جدیدی از واقعیت پیچیدهٔ موجود، برای مردم آشکار میشود. شاید یکماه پیش، فقط عدهٔ قلیلی و بقول حافظ نکته‌بینان میدانستند که در زیر پرده چه میگذرد، که هنوز خناسان در گوشه و کنار، در سفارت و ...، دست اندرکاری دیگراند تا...!

کسانیکه کتاب «جنگ بی‌پایان»، اثر «میچل کلر» را خوانده‌اند، این نکات ریز و درشت را که همه کس نمی‌توانند بفهمند، می‌بینند و می‌فهمند. نکته اینست که آمریکا و بطور کلی غرب برای ادامه برتری خود در جهان، تمام نیروهای مادی و مغزهای علمی خود را بسیج کرده است. کتاب یاد شده، نشان میدهد که ایدئولوگها، مغزهای علمی و سیاستمداران آمریکا شبانه‌روز در درون آزمایشگاههای علوم اجتماعی و علوم طبیعی، در حال کشف روشهای جدید مبارزه و بررسی رفتار شناسی و روانشناسی خلقهای جهان‌اند تا به‌بهترین وجه بتوانند بر آنها غلبه کنند.

این، یک روی سکه است و فقط بما میگوید که در دنیا با که طرفیم و حریف تا چه حد ورزیده و زرنگ‌تر از عوام‌الناسی است، که منتظرند که مسیحا نفسی میآید (یا در حال آمدن است)، نظر همهٔ رنجهای آنها را بر طرف کند...! و اما روی دیگر سکه مربوط به‌خودمان است، باین معنا که میگوئیم تا زمینه در ما آماده نباشد، هیچ دشمنی نمیتواند در ما نفوذ کند و ضربه بزند. نباید مبنای کارها، تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را فقط در نقاط قوّت و ضعف دشمن قرار داد، بلکه مکانیسم درونی یک جامعه، نقش تعیین کننده در سرنوشت آن جامعه دارد: «إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.» اگر از درون بر نیائی به‌بیرون نخواهی رسید. اگر شیرازه درونی خود را محکم کنیم، اگر کمربندها را محکم ببندیم، هیچ دشمنی، هیچ منافقی و هیچ جاسوس کار کشته‌ای، حتی اگر در لباس دوست هم باشد، نخواهد توانست در ما نفوذ کند. بگفتهٔ شمس تبریزی، تا چند از دیگران گوئی، آنچنان باش که از تو گویند. یک جامعه پویا و گسترش یابنده همیشه بر نیروهای درونی خود تکیه میکند و به‌حک و اصلاح آنها میپردازد نه اینکه چشم بدیگران (دشمنان و ...) داشته که چه میکنند، آنوقت عکس‌العمل نشان دهد.

بقیه در صفحه ۴

گزارش کشاورزی منطقه گرمسار

فئودالها هنوز بر سر قدرت‌اند

گزارشی را که مطالعه می‌کنید، از کشاورزان منطقه گرمسار تهیه شده است.

با اینکه اکثر این کشاورزان آگاه به‌آرمانهای انقلاب اسلامی هستند و سالها برای رهائی از ستم و استثمار فئودالها مبارزه کرده‌اند، امروز باز هم مالکین و فئودالها با توطئه و برنامه‌های ضد مردمی، و حمایت مسئولین امور میخواهند دوباره همان روابط ظالمانه را برقرار کنند و همچنان کشاورزان دلیر این ناحیه را به‌زیر یوغ و ستم استثماری خویش در آورند.

مقاومت کشاورزان این ناحیه، درخور ستایش است که چگونه بدون کمترین کمک از مرکز و شهرستان گرمسار، خود برای ریشه کن نمودن دست فئودالها و ازدیاد محصول و کشت برای ایجاد یک کشاورزی خود کفا، مبارزه می‌کنند، ما خلاصه‌ائی از گفتگو با این برادران مسلمان و مبارز را می‌آوریم. باشد که مسئولین امور هوشیار شوند که خواست بحق این برادران، خواست انقلابی است و باید در ریشه کن نمودن دست فئودالها و دلالهای آنان به‌ایشان کمک کنند.

موقعیت منطقه گرمسار:

شهرستان گرمسار در ۱۱۰ کیلومتری شرق تهران واقع شده و یک شهرستان خشک و کویری می‌باشد.

از آب رودخانهٔ حبله‌رود برای کار کشاورزی استفاده میشود که البته بعلت کمبود آب و کافی نبودن حجم آبی که از این رودخانه سرچشمه میگیرد، تمام اراضی قابل کشت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و طبعاً زیر کشت نمیروند.

محصولات عمدهٔ روستاهای گرمسار عبارت است از: گندم، جو، پنبه و خربزه.

جمعیت آن حدود ۷۰ الیٰ ۸۰ هزار نفر است که

بقیه در صفحه ۵

مباحث ایدئولوژیک (۲۰)

دکتر حبیب‌اله پیمان

درآمد در برابر کار است، نه سرمایه

● عامل اصلی افزایش قیمت‌ها، عوامل واسطه‌ای هستند که با احتساب سود برسرمایه دائماً برقیمت جنس می‌افزایند

قابل دقت است که امام، سود مؤمن بر مؤمن را ربا و حرام میشمارد ـ از این بیان چنانکه در آغاز این مباحثات گفتم، چنین برمیآید که برقراری جامعهٔ توحیدی مستلزم فراهم آوردن شرایط ذهنی است که در آن اعضای جامعه به‌اصول و نظامات توحیدی آگاه و مؤمن هستند. یعنی خود را تسلیم و تابع آن اصول می‌دانند و این امر مستلزم انجام انقلاب فکری و رفتاری در شخصیت همه افراد و ظهور انسانهای مؤمن طراز نوین و پیشتاز است.

در زیر سیطره نظامات طبقاتی و استثماری ـ رعایت این اصول غیرممکن است ـ از این رو امام صادق که در زمان حکومت خلفای جور و نظامات طبقاتی می‌زیست ـ هنگام تعلیم اصول اقتصاد جامعه توحیدی، و از جمله ربوی بودن اخذ سود از برادر مؤمن ـ تحقق آنرا به‌پیروزی حق بر باطل و برقراری حکومت حقه اسلامی موکول میکند و به‌شیعیان خود اجازه میدهد تا آن موقع برای تأمین قوت خود روزانه در معاملات اندک سودی بگیرند والاّ معامله در جامعهٔ توحیدی، نوعی خدمت اجتماعی است که باید روی انگیزه‌های اخلاقی و مذهبی، بی‌چشم‌داشت انجام گیرد. همه کار کنند و ارزشهای تولید شده را با یکدیگر مبادله نمایند ـ مبادله و معامله محدود به‌ارزشهای کار متبلور شده در خدمات کالا و محصولات گردد و امر مبادله به‌عنوان یک خدمت نوعی تلقی گردد و کسی از مبادله و معامله دو ارزش درخواست سود و بهره نکند ـ امام برای اینکه این اصل در فکر و جان مردم جای بگیرد با وجود حاکمیت شرایط نامناسب زمان ـ از یاران و شیعیان خود می‌خواستند که حتی‌المقدور تن به‌معاملاتی که سودی در آن است ندهند. «اگر برادر مؤمن از تو خواست برایش چیزی بخری و خودت آن شیء را داری ـ به‌او نفروش ـ بهتر است که آن شیء را برایش خریداری کنی»[۴۶] منظور امام آن است که برادر مؤمن همیشه بداند که نباید از برادر مؤمنش سود بگیرد و هرگز این اصل

بقیه در صفحه ۲

خشم طبیعت و فقر شدید در جامعه

بار دیگر زلزله روستاهای جنوب خراسان را ویران کرد و صدها نفر از خواهران و برادران هموطن ما را در آن دیار به‌هلاکت رساند و ملت ما را در غمی دیگر فرو برد. خواهران و برادرانی که سالها زیر یوغ طاغوت بوده و ظلم و جور آن را با پوست و گوشت خود حس کرده بودند. خواهران و برادرانیکه از اولین امکانات زندگی محروم بودند و در خانه‌های گِلی و حقیر خود زندگی میکرده‌اند و این ناچیز هم با وقوع زلزله ویران شد. این اولین باری نیست که زلزله میهن ما را ویران کرده است و در سالهای قبل هم شاهد چنین فاجعه‌هائی بوده‌ایم.

نمیدانیم که آیا وقوع چنین فاجعه‌ای را صرفاً از قهر طبیعت باید دانست؟ آیا نمیشود با انجام کارهائی از وقوع چنین حادثهٔ دلخراشی جلوگیری کرد و یا تخریب آنرا کاهش داد؟ مسلماً زلزله مختص به‌ایران نیست و در کشورهای دیگر دنیا نیز اتفاق می‌افتد ولی هرگز شدت تخریب و تعداد تلفات آنها به‌میزان زلزله‌های ایران نبوده است. علت اینرا باید در نفوذ فقر در ارکان جامعهٔ ما دانست که مردم ما در بسیاری از نقاط ایران هنوز فاقد همان خانه‌های گِلی هم هستند.

باید از مسئولان امر سئوال کنیم که چرا تا کنون با داشتن آگاهی از اوضاع آن مناطق فکری به‌حال آنها نکرده بودند؟ از مسئولان توقع نداشتیم

بقیه در صفحه ۴

مصاحبه با اهالی مریوان، متحصن در مجلس خبرگان

مقدمه

قریب ۱۴۰ نفر از کردهای مسلمان مقیم مریوان در مجلس بررسی نهائی قانون اساسی متحصن شدند. برای اطلاع از علل این تحصن و آشنائی با کم و کیف جریان به‌میان آنها رفتیم و مصاحبه‌ای با چند تن از نمایندگان آنان ترتیب دادیم که خلاصه‌ای از آن در زیر می‌آید. لازم بتذکر است که آوردن این مصاحبه در «امت» به‌معنی تأیید و یا عدم تأیید مواضع و گفته‌های این برادران نیست و صرفاً جهت منعکس کردن خواستهای آنان و اطلاع مردم از این خواستها می‌باشد.

س ـ علت اینکه شما به‌تهران آمده‌اید و در مجلس خبرگان متحصن شده‌اید چیست؟

ج ـ علت آمدن ما به‌تهران و متحصن شدن در مجلس خبرگان، اعتراض به‌سیاست دولت در وهله اول بود. چون واقعاً سیاست‌هائی که دولت در منطقه کردستان بکار برد باعث تضعیف مسلمانان و تقویت گروهها و عوامل دیگر شد. می‌توانم این علل را به‌این صورت ذکر کنم.

بقیه در صفحه ۳

ملی شدن دو شرکت آمریکایی

کارکنان شرکت حفاری نفت سدکو ـ سد ایران با توجه به‌رهنمودهای امام خمینی مبنی بر بدست گرفتن امور توسط خود توده‌های محروم و مستضعف، طی نامهٔ سرگشاده‌ای یادآور شده‌اند که:

ما کارکنان شرکت حفاری نفت سدکو ـ سد ایران با وجود کلیه وعده و وعیدهایی که از طرف مقامات مسئول بما داده میشود، هنوز تکلیفمان روشن نشده و تا این لحظه عملاً برای آمریکا کار می‌کنیم. به‌همین علت و با توجه به‌سخنان اخیر امام که فرمودند: «شما منتظر نباشید که این ادارات، این استانداریها و امثال اینها برای شما کار بکنند». ما خودمان وارد عمل شده و از تاریخ ۵۸/۸/۱۹ اموال شرکت حفاری نفت سدکو ـ سد ایران را ملی اعلام می‌کنیم. در پایان کارکنان این شرکت از جامعه روحانیت مترقی و شخصیت‌های ملی اسلامی و سیاسی خواسته‌اند که از مبارزه آنها علیه امپریالیسم آمریکا حمایت کنند.

ما ضمن تأئید اقدام ضد امپریالیستی کارکنان این شرکت در ملّی کردن سهام آمریکائی آن، از شورای انقلاب و دیگر مقامات مسئول خواستاریم که در اسرع وقت به‌ندای کارکنان این شرکت جواب داده، با این عمل به‌آرمانهای توده‌های محروم و زحمتکش در مبارزات ضد امپریالیستی، تحقق عینی ببخشند.

نابودباد امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای جهان

حل انقلابی مسائل

بقیه از صفحه اول

است و زمینه مساعدی برای اقدامات دیگر توسط آمریکا و علیه ما فراهم آورده. آمریکا چند ساعت زودتر امتناع خود را از خرید نفت ایران اعلام کرد و نیز زودتر به‌محاصره اقتصادی علیه ما دست زد و اعلام کرد که صدور کالا و قطعات یدک و سایر مایحتاج را به‌ایران جلوگیری می‌کند. ما بعد از دشمن اعلام قطع صدور نفت و تحریم کالاهای آمریکائی را کردیم و در زمینه تبلیغات متقابل و افشاگری هنوز کار چشمگیری و مؤثری انجام نشده است.

آمریکا اقدامات گسترده‌ای علیه دانشجویان ایرانی انجام داده و پولهای ما را در بانکهایشان توقیف کرده است و در صورتیکه ما اقدام متقابلی انجام نداده‌ایم منافع اقتصادی و پولی آنرا بخطر نینداخته‌ایم. درست است که وجدان بیدار و آگاه ملتهای جهان از هم‌اکنون متوجه حقانیت مبارزه ما علیه امپریالیسم است لکن این امر مسئولیت ما را در طرح‌ریزی دقیق یک مبارزه همه‌جانبه سلب نمی‌کند.

ضرورت توجه به‌نکات زیر

برای پیروزی در این مرحله حساس از انقلاب توجه و رعایت نکات و اصول زیر ضرورت فوری و اساسی دارد. ۱ توجه به‌نقشه‌های امپریالیسم در دامن زدن به‌اغتشاشات و اختلافات درونی و تجزیه صف واحد خلق، این برنامه که جزئی از طرح معروف برژینسکی است هم‌اکنون در کردستان به‌نتایج خود رسیده است و در سایر نقاط زمینه کافی برای پیاده شدن دارد.

اهمیت مسأله کردستان بقدری زیاد است که باید درصدر برنامه‌های مبارزه علیه امپریالیسم قرار گیرد. عملکرد دولت و شورای انقلاب و مأموران آنها ظرف ده ماه گذشته کاملاً مورد استفاده و پیشبرد طرحهای دشمن قرار گرفت. امروز کردستان یکسره از نفوذ انقلاب و قدرت دولت خارج شده است. و این را تنها نباید به‌حساب توطئه‌های ضد انقلاب گذاشت، آنخاذ روشهای لیبرالیستی و ارتجاعی به‌دشمن فرصت داد تا بیوند مردم کردستان را با مرکزیت در حد قطع کامل تضعیف کند و احساسات آنها را علیه نهادها و سمبل‌های انقلاب برانگیزاند. اکنون برادران کرد ما مدافعی در میان مسئولین نمی‌یابند و صدائی از اینجا به‌نفع خواستهای برحق‌شان بلند نمی‌شود، امید بسیاری از کردهای مسلمان و آگاه مبدل به‌یأس شده است و انبوه جوانانی که دلسوخته برای کمک به‌خلق کرد و انقلاب ایران به‌کردستان رفتند، ناامید باز می‌گردند و عمق فاجعه را هیچکس مثل آنها که از نزدیک شاهد حقایق بودند، درک نمی‌کند، چه کسانی سبب شدند که انقلاب اسلامی پایگاههای مردمی خود را در کردستان از دست بدهد؟ چه کسانی اجازه ندادند در روزهای نخست خواستهای برحق آنان رسماً تأئید شود؟ و چه کسانی نگذاشتند حق اداره امور محلی که یک اصل اسلامی است در قانون اساسی بصراحت گنجانده شود و هر یک از اقوام و مردم ایالات اختیار لازم برای اداره منطقه خود را در چارچوب ایران واحد و جمهوری واحد داده شود؟

چه کسانی بجای رو آوردن به‌برادران کرد و دهقانان و زحمتکشان و خلق ستمدیده و حمایت از آنان، فئودالها و مالکان را مسلح کردند و راه‌حل نظامی را تجویز نمودند و رفتند تا قهرمان فتح کردستان شوند و آتش کینه‌ها را تندتر و ابعاد کشتار و جنگ را گسترده‌تر ساختند و با دستهای خود خلق کرد را به‌دامان فرصت‌طلبان و ضد انقلابیون افکندند؟ چه کسانی بعد از این آزمایش سراسر شکست و بی‌اعتباری و زیان‌بخش بی‌سروصدا بازگشتند و خلق کرد را بحال خود رها نمودند و هنوز هم حاضر نیستند به‌اشتباه خود اعتراف کنند و در سیاستهای خود تجدیدنظر اساسی بنمایند؟

آیا این آقایان نباید در پیشگاه خلق و انقلاب حساب پس بدهند؟

آیا با وجود جنگ در کردستان و با وجود اغتشاشات در مناطق دیگر ما می‌توانیم در جبهه نبرد با آمریکا پیروز شویم؟ سیل اسلحه از خارج بسوی مناطق غرب کشور سرازیر است و فرصت‌طلبان ابتکار عمل را تحت لوای دفاع از خودمختاری مردم کردستان دست دارند. چرا انقلاب خود نباید در دادن و تأئید این حق پیشقدم می‌شد؟ هیئت حسن‌نیت پس از بازگشت از کردستان کمترین اطلاعی از نتایج مأموریت خود نداد و پرده سکوتی بر حقایق تلخ و فاجعه، سخت کشیده شده است. مردم ایران بخوبی نمی‌دانند در کردستان چه می‌گذرد و الا هیجان و حرکتی شدیدتر از آنچه امروز در برابر آمریکا می‌بینیم برای حل فوری این مسأله نشان می‌دادند.

آیا موقع آن نرسیده است که شورای انقلاب، قاطعیت و صراحت خواسته برحق مردم کردستان را برسمیت بشناسد و تقاضای اصلاح ماده مربوطه در قانون اساسی را بنماید تا پیش از تصویب نهائی آن مردم کردستان مطمئن شوند که انقلاب به‌خواستهای آنان توجه کرده است؟

> ● عملکرد دولت و شورای انقلاب و مأموران آنها ظرف ده ماه گذشته کاملاً مورد استفاده و پیشبرد طرحهای دشمن قرار گرفت
>
> ● چه کسانی بجای روآوردن به‌برادران کرد و دهقانان و زحمتکشان و خلق ستمدیده و حمایت از آنان، فئودالها و مالکان را مسلح کردند و راه حل نظامی را تجویز نمودند و رفتند تا قهرمان فتح کردستان شوند!؟

آیا نباید رسماً مالکیتهای فئودالی لغو شود و حق دهقانان بر زمینهایشان تصویب و اعلام شود؟ این تنها راه خواباندن غائله غرب و به‌انزوا کشاندن ضد انقلاب و فرصت‌طلبان در آن منطقه است.

جبهه داخلی علیه امپریالیسم با این اقدامات به‌وحدت می‌رسد و شکافها پر می‌گردد.

مبارزه علیه امپریالیسم

۲ ــ مبارزه علیه امپریالیسم باید با ضربه زدن بر منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی آن به‌نتیجه برسد، بنظر می‌رسد که شورای انقلاب خود را در این مبارزه بطور جدّی مسئول نمی‌شناسد. منافع اقتصادی آمریکا در ایران هنوز رسماً مورد حمله قرار نگرفته. برعکس می‌بینیم که وابستگان به‌امپریالیسم، بخصوص سرمایه‌داری وابسته و دیگر مزدوران دشمن با شدت علیه منافع ملت تلاش می‌کنند، سرمایه‌داری نقش مخرب خود را در تضعیف و تعطیل صنایع در هدر دادن سرمایه و انتقال آن بخارج بخوبی ایفا می‌کند.

چه کسانی باید مراقب خروج ارز از کشور باشند؟ دشمن به‌حیله‌های مختلف رسماً، بطور قاچاق متمرکز و پراکنده و تحت پوششهای گوناگون ارزها را خارج می‌سازد و مسئولین در خواب غفلت فرو رفته‌اند با این سیاست درهای باز چگونه می‌خواهیم با آمریکا و امپریالیسم جهانی مبارزه کنیم؟

کدام انقلاب با این طرز کار به‌نتیجه رسیده است؟ اگر مقدار ارزهائی که فقط بعد از انقلاب و ظرف این چند ماه از کشور خارج شده است تعیین شود خواهیم دید چه رقم بزرگی از ثروت و سرمایه ملت به‌جیب دشمنان ما رفته است. ورود و خروج قاچاق کالا و سوءاستفاده‌هائی که در این زمینه‌ها می‌شود همه بزیان اقتصاد کشور و در جهت اجرای طرحهای امپریالیسم است، تجارت خارجی ما در کنترل دشمن است از روز نخست گفتیم و پیشنهاد کردیم که باید بطور قاطع سرنوشت صنایع و تجارت خارجی و سیستم بانکی در دست انقلاب قرار گیرد، ولی هنوز عمده صنایع ما در دستهای سرمایه‌داران وابسته است و آنها به‌نفع دشمن کار می‌کنند، سیستم بانکی تغییر نکرده، وابستگی پول ما به‌دلار از بین بردن نرفته و تجارت خارجی زیر نظارت مستقیم و دقیق دولت قرار ندارد.

چرا باید گذاشت هر کس بهر نحو خواست کشور را ترک و سرمایه مالی و علمی و فنی را بخارج ببرد، حتی از فرار مغزها باید بشدت جلوگیری شود و ضمن فراهم آوردن شرایط مناسب اجتماعی از همه خواست تا بمانند و برای مردم و انقلاب کار کنند.

استحکام جبهه داخلی

۳ ــ استحکام جبهه داخلی مستلزم غلبه بر بحران اقتصادی است که دشمن سخت بدان امید بسته است، برداشتن یک گام جهش در آزاد کردن تولیدات داخلی از وابستگی و بالا بردن سطح تولید کشاورزی و صنعتی مستلزم آزاد کردن دهقانان و کارگران از قید استثمار مالکان و سرمایه‌داران است. هنوز که هنوز است بعضی در دفاع از منافع مالکان و بعضی روی ترس از ناراضی شدن آنان اجازه نمی‌دهند گام انقلابی لغو مالکیتهای فئودالی برداشته شود و رسماً حق دهقانان بر زمینهای تحت اختیارشان برسمیت شناخته شود...

شما منافع و رضایت میلیونها دهقان را بخاطر معدودی مالک و فئودال نادیده می‌گیرید، شما به‌این حقیقت توجه ندارید که دهقانان دلسوزتر از مالکان به‌انقلاب و کشور هستند و دشمن‌تر نسبت به‌امپریالیسم.

شما حق‌شان را بر زمین برسمیت بشناسید و دستهای مالکان و سرمایه‌داران را از روستاها قطع کنید خواهید دید که دهقانان ما با جان و دل میکارند و بموقع سلاح بر کف از سرزمین و از انقلاب خود دفاع می‌کنند.

و نیز کارگران را از یوغ سلطه کارفرمایان و سرمایه‌داران آزاد کنید و اجازه دهید خود سرنوشت کار را بدست گیرند و دولت با نظارت و دادن طرح این نیروی عظیم را برای بالا بردن تولید و رسیدن به‌خودکفائی بکار برد، آنگاه همین توده‌های محروم حاضر خواهند بود با صبر انقلابی کم بخورند و بیشتر تولید کنند، بشرطی که بدانند «محصول و نتایج کارشان جز بدستها و دهانهایشان نمی‌رسد»

شریانهای حیاتی دشمن را قطع کنیم

۴ ــ این حقیقت باید شناخته شود که امپریالیسم چون سرطان جهانی را در چنگال خود دارد و تنها تا قطع یک شاخک نمی‌توان بروی غلبه کرد، باید شریانهای حیاتی دشمن قطع شود و منافع و موجودیت آن در سراسر جهان بخطر بیفتد، در شرایط کنونی امپریالیسم با متحدین خود فضای حیاتی به‌گستردگی همه جهان دارند. خرطومهای آنان در کلیه سرزمینها به‌مکیدن خون مشغولند، پس مبارزه با امپریالیسم باید ابعاد جهانی پیدا کند، از اینرو همبستگی همه خلقهای ضد امپریالیست ضرورت حیاتی دارد، همانگونه که امپریالیسم برای بقای خود مرزی نمی‌شناسد و کره زمین و ماوراء وجود کرات دیگر را هم فضای حیاتی خود می‌داند، پیکار علیه امپریالیسم نیز باید از حدود مرزهای جغرافیائی و سیاسی خارج شود، در غیر اینصورت هرگز به‌نتیجه‌ای نخواهد رسید و مغلوب دشمن خواهیم شد.

انقلاب ایران می‌توانست به‌سرعت آتش مبارزه علیه امپریالیسم را در کلیه سرزمینهای تحت تسلط و در درجه اول ممالک اسلامی مشتعل سازد، بشرطی که خود را در مرزهای جغرافیائی و ملی محدود نمی‌ساخت و مسئولین امر از عدم صدور انقلاب دم نمی‌زدند و روی خصوصیات داخلی تکیه نمی‌کردند و بیشتر جانب ملتهای اسیر و مبارزه مسلمان را می‌گرفتند تا دولتها را و بیشتر جانب دولتهای ضد امپریالیست را می‌گرفتند تا رعایت مصالح گروهی و نقطه‌نظرهای شخصی، دولت و شورای انقلاب تا دو روز پیش برقراری رابطه با دولت انقلابی و مسلمان لیبی را بتأخیر انداخت زیرا گروهی برخلاف مصالح انقلاب و ملت و اسلام مسأله موسی‌صدر را بهانه ساختند و ما را از یک متحد خوب محروم و جدا نگاهداشتند و سوءظن برانگیختند، دولت و شورا در حمایت از انقلاب فلسطین عملاً صمیمیت کمی نشان دادند در حالیکه پرقدرت‌ترین جنبش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی، مقاومت فلسطین است که برادر و هم‌کیش و هم‌سنگر ماست، دولت و شورا و مسئولین تبلیغاتی آن حتی یک کلمه خطاب به‌خلقهای عرب در خلیج‌فارس و در سرزمینهای عربی و زیر سلطه ارتجاع بر زبان نیاوردند و تلاشی در جلب‌نظر و حمایت آنها ننمودند، بعکس موضع‌گیری بسیاری افراد مسئول و غیرمسئول در دفاع یک‌جانبه از مذهب خاص در برابر کلیّت اسلام، به‌دشمنان انقلاب فرصت داد تا همه‌جا تبلیغ کنند که انقلاب ایران ملّی است نه اسلامی و جنبه جهانی ندارد و برای همه مسلمین نیست، و اگر فرمان امام به‌حجاج نبود تا در ایام حج این تبلیغات مسموم را خنثی کنند و همبستگی انقلاب را با همه مسلمانان اعلام نمایند، این سوءبرداشت به‌قوت خود باقی بود، هر انقلابی به‌حمایت افکار عمومی و فضایی جهانی برای تنفس احتیاج دارد.

این احتیاج مغایر با استقلال آن نیست، اگر ظرف ده ماه گذشته بینش انقلابی و مکتبی حاکم بود هم‌اکنون موج حمایت از انقلاب ایران در برابر امپریالیسم آمریکا سراسر سرزمینهای آفریقا، آسیا و حتی آمریکا را فرا می‌گرفت، هم‌اکنون منافع آمریکا در عربستان و شیخ‌نشین‌ها و در سایر نقاط بخطر می‌افتاد، هنوز هم دیر نشده است و از موقعیت مساعد فعلی باید کمال استفاده بعمل آید.

گرچه هنوز تغییری در اصول سیاستهای ده ماه گذشته بچشم نمی‌خورد و همانها که بودند با جابجائی‌هائی دست در کارند. ولی امیدواریم با حقایق آشنا شوند و روشهای تازه‌ای اتخاذ کنند و در برابر امپریالیسم جهانی آمریکا که متحدین نیرومندی مثل آلمان، ژاپن و انگلستان و اقمار و دست نشاندگان بسیار در سراسر جهان و دهها هزار جاسوس و مزدور در داخل و خارج کشور دارد و ما احتیاج به‌حمایت دولتها و ملتهای آزاد و ضد

بقیه در صفحه ۷

درآمد در برابر کار

بقیه از صفحه اول

توحیدی را فراموش نکند ــ چنانکه در جوامع اسلامی عملاً کلیه این اصول فراموش شد.

اغلب معاملات حرام است

مسلمانان ما حتی نمی‌دانند که غالب معاملات آنها ربوی و حرام است و کمترین اطلاعی از اصول اقتصاد و تجارت و معاملات اسلامی ندارند و آنچه را که رایج است و به‌آن خو گرفته‌اند، مشروع میدانند ــ بهمین جهت نه فقط انگیزه‌ای برای مبارزه با آن و تغییر آنها ندارندکه آنها را درست و اسلامی پنداشته و بشدت دفاع می‌نمایند ــ گذشته از این در اثر عادت به‌زندگی از طریق این نوع معاملات حرام ولی سودآور، شخصیت آنها مسخ و با محرکهای مادی غیرمشروع عجین گردیده بطوریکه قبول تغییرات بنیادی برایشان دشوار است ــ دشوار است تن به‌کار تولیدی بدهند و به‌اخذ ارزش واقعی کار خود راضی باشند ــ لذا آگاهانه و ناآگاه، سرسختانه در برابر اصول واقعی اقتصاد جامعه توحیدی می‌ایستند و آنها را التقاطی، غیراصیل و اخذشده از مکتب‌های غیرالهی معرفی می‌کنند تا عذری برای مخالفت و تسلیم نشدن بدانها داشته باشند.

خواهید گفت اگر از معاملات سودی عاید افراد نشود در نظام توحیدی کسانی که کارشان منحصر به‌معامله است چگونه امرار معاش نمایند؟ لازم به‌توضیح است که در شرایط اجتماعی عصر پیامبر ــ که شهرها کوچک و کم جمعیت بودند و همه مردم به‌نوعی کار تولیدی در کشاورزی ــ دامداری یا پیشه‌وری و خدمات مشابه شرکت داشتند رعایت این اصل آسان و ساده بود ــ همانطور که پیشتر اشاره کردم همانند شهرها و روستاهای شمال ایران ــ مردم بطور عادی به‌کار تولید کشاورزی و پیشه‌وری مشغولند و در طول هفته، یکبار یا بیشتر محصول خود را به‌بازار آورده مبادله می‌نمایند ــ هر کس ارزش واقعی محصول خود را می‌گیرد و در معاملات سود وجود ندارد و معامله و مبادله شغل خاصی محسوب نمی‌شود. اما رشد شهرها و پیچیدگی امر توزیع ــ خودبخود نیاز به‌اشخاصی دارد که کارشان توزیع و فروش باشد و فرصت پرداختن به‌کار تولیدی مستقل نداشته باشند در اینصورت در جامعه توحیدی چون معامله و مبادله و یا توزیع مواد و محصولات یک خدمت اجتماعی و عام‌المنفعه است ــ این مهم بر عهدهٔ جامعه و بیت‌المال است که کار توزیع را برعهده گیرد و برای کسانی که مأمور خدمت در این امر هستند، دستمزدی تعیین نماید ــ نظیر آنچه در جوامع جدید در امور حمل و نقل مثلاً راه‌آهن و اتوبوس در ممالک اروپائی دیده می‌شود که دولتها خدمات مربوط به‌آنرا برعهده گرفته بابت این خدمت از مردم پولی دریافت نمی‌کنند و فقط هزینه‌های واقعی از مردم اخذ می‌شود و بقیه را بیت‌المال می‌پردازد ــ اهمیت این کار از این نظر است که به‌مردم اجازه نمیدهد برای انجام یک خدمت عمومی از یکدیگر سود بگیرند و مناسبات بین مردم از جنبه برادری و تعاون و اشتراک، که حالتی انسانی است به‌سودجوئی و استثمار تغییر کند.

> ● هر کس ارزش واقعی محصول خود را می‌گیرد و در معاملات سود وجود ندارد و معامله و مبادله شغل خاصی محسوب نمیشود
>
> ● در جریان معاملات هر اندازه قیمت کالا ضمن دست بدست شدن از ارزش واقعی آن بالاتر رود، خریدار به میزان بیشتری مورد استثمار قرار گرفته است.

معاملات عامل افزایش قیمت‌ها و استثمار مصرف کننده

ببینیم چرا در جامعه توحیدی جلوی معاملات سودآور گرفته می‌شود و چرا خرید و فروش بمعنای امروزی نهی شده است؟

هر کالا و خدمتی در اصل دارای ارزشی است که مستقیماً مربوط به‌کار انجام یافته است و تولیدکننده حق دارد ارزش کار خود را در قبال واگذاری محصول دریافت کند، و کسی که به‌آن کالا احتیاج دارد موظف است که رازش واقعی آنرا بپردازد و کالا را مصرف نماید. خریدار در حقیقت برای خرید کالای مورد احتیاج ناچار است که همان اندازه کار کند و ارزشی معادل ارزش کالای مورد احتیاج بیافریند تا بتواند آنرا خریداری و مصرف کند ــ حال اگر مجبور باشد در ازای کالای مورد نیازش که یکصد واحد ارزش دارد، کاری انجام دهد تا ارزشی معادل یکصدو ده واحد بیافریند و پرداخت کند در حقیقت به‌اندازه ده واحد ارزش کار اضافی داده، یعنی بهمین اندازه استثمار شده است.

در جریان معاملات هر اندازه قیمت کالا ضمن دست بدست شدن از ارزش واقعی آن، بالاتر رود خریدار به‌میزان بیشتری مورد استثمار قرار گرفته است.

عامل اصلی افزایش قیمت‌ها، عوامل واسطه‌ای هستند که با احتساب سود بر سرمایه، دائماً بر قیمت جنس می‌افزایند. از این‌رو اصولاً خرید و فروش به‌ویژه خرید و فروش مواد اساسی و مورد احتیاج مردم نظیر غذا، در جامعه توحیدی منع شده است ــ مواد غذایی پس از تولید باید مستقیماً و با همان ارزش اولیه در اختیار مردم گذاشته شود ــ و انگیزه سودجویی در معاملات مواد غذایی حرام شمرده شود. امام علی‌بن ابیطالب می‌فرمود «هر کس مواد خوراکی را بفروشد رحمت از او سلب می‌شود» ۴۷ و امام صادق کلامی با همین مضمون دارند که «فروشنده مواد خوراکی از احتکار مصون نیست» ۴۸ دلیل این حرف روشن است زیرا وقتی هدف در معامله کسب سود باشد، چون سود فقط از راه افزون بر قیمت اولیه بدست می‌آید ــ لذا فروشنده بر طبق قانون عرضه و تقاضا، سعی می‌کند با کاهش عرضه، قیمت‌ها را بطور مصنوعی بالا برد یعنی جنس را احتکار می‌کند. نهی امام از خرید و فروش مواد خوراکی، مطلق معامله نیست بلکه صرفاً نوعی از معامله است که متضمن سود می‌باشد و جنس به‌قیمت بیشتر از ارزش تمام شده آن فروخته می‌شود ــ و الا در جای دیگر معامله‌ای را که در آن سود در نظر گرفته نشده، مجاز دانسته‌اند. امام رضا می‌فرماید «هر چیزی که فروخته می‌شود اگر در آن اصول تقوی رعایت شود اشکالی ندارد» ۴۹ با توجه به‌نهی‌های قبلی و مضمون حدیث اخیر معلوم می‌شود که معاملات حرام آنهاست که اولاً: مواد مورد نیاز عامه مردم (مثلاً خوراک) مورد معامله قرار گیرد. ثانیاً: اینکار توسط واسطه‌ها که دنبال سود هستند انجام گیرد، و الاّ اگر تولیدکننده مستقیماً جنس را معادل ارزش تولیدی به‌خریدار بدهد (تقوی) اشکالی نخواهد داشت. بهمین‌جهت می‌بینیم پیامبر پرداختن به‌معاملاتی چون خرید و فروش گندم و جو و گوشت را نهی می‌کند. ضمن یکی از توصیه‌ها به‌اصحاب خود، می‌خواهند که نگذارند فرزندانشان به‌چندنوع معامله آلوده شوند «به‌خرید و

بقیه در صفحه ۸

درود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما

زیمبابوه: انقلاب آفریقائی علیه اختناق نژادپرست

● تحت لوای «برتری سفیدپوستان» قسمت جدیدی از استثمار کاپیتالیستی که شدیداً وابسته به امپریالیسم انگلستان بود، بنا نهاده شد

شکست استعمار پرتغال باعث آشفتگی در دیگر رژیمهای استعماری گردید و آنها را در نگرانی و وحشت فرو برد.

ولی اگر این شکست سبب شد تا رژیم آفریقای جنوبی حمایت خویش را در مرزهای شمال شرقی کشور از دست بدهد، اما نتایج جالب و مهمّی بر روی رژیم دست نشانده و فاسد اسمیت در زیمبابوه بجای گذاشت. زیمبابوه که هیچگونه راه دریایی ندارد، تجارت خود را از طریق موزامبیک تأمین میکرده است.

تا زمانیکه موزامبیک بوسیلهٔ یک رژیم دوست و منصف اداره میشد، زیمبابوه میتوانست از راه دریا بهصدور تجارت خویش ادامه دهد. اما راهحلی که پیشپای زیمبابوه قرار دارد، اکنون رضایتبخش نیست، زیرا نه فقط استفاده از بنادر اتحادیه افریقائی موجب طولانی شدن مسافت دریایی میشود. بلکه این بنادر هماکنون پیش از ظرفیت اولیه کالا در خود پذیرفتهاند.

اسمیت در جستجوی فوری راهحل این مسئله است که با کدام مانور سیاسی خواهد توانست رژیم خود را که هماکنون با مشکلات اقتصادی روبروست و در آینده نیز روبرو خواهد شد، نجات دهد و از طرفی باید با مشکلات سیاسی داخلی که گریبانگیرش شدهاند نیز دست و پنجه نرم کند. برایاینکه ۹۵٪ درصد از یک جمعیت ۵ میلیون نفری، آفریقایی الاصل هستند و در برابر آنها قانونی که بوسیلهٔ استعمارگر سفید پوست تحمیل شده فاقد هرگونه ارزش و اعتبار میباشد.

برای شروع و اینکه نشان بدهند که هیچگونه ارزشی برای قوانین استعمارگران سفیدپوست قائل نیستند، نام رودزیا که از استعمارگر انگلیسی، سسیل رُدُز گرفته شده است، برای اکثریت افریقاییها معنی ندارد و کشور برای آنها زیمبابوه نام دارد!

زیمبابوه نام خود را از رودخانهای که تمام خاک کشور را طی میکند گرفته شده است و بمعنی «ویرانه» میباشد که آثار امپراطوری MONOMETAPE را تداعی میکند. (امپراطوری مونومتاپ بوسیلهٔ پرتغالیها که تشنهٔ غارت و گنج بودند منهدم شد.)

غارت زیمبابوه

انگلیسیها که جانشین پرتغالیها شدند، طبق نقشههای از پیش طرح شده و بمنظور نامتعادل کردن اقتصاد این کشور شروع بهغارت هرچه بیشتر ثروتهای کشاورزی و معدنی کردند، تا اینکه قادر باشند این کشور را وابستهٔ مطلق خود سازند.

ستونهای نظامی که از انگلستان و دیگر کشورهای «سفیدپوست» بهزیمبابوه اعزام شدند، مأمورین مستقیم استعمار بودند.

کشاورزان آفریقائی بوسیلهٔ این ستونها از زمینهائیکه طی چندین نسل خود شخم زده و اداره کرده بودند، رانده شده و بناچار مجبور بهزندگی در خشکترین و بیحاصلترین مناطق کشور شدند. اکثر این کشاورزان بعلت کافی و مستعد نبودن زمینهای کشاورزی در این مناطق نتوانستند بزندگی خویش ادامه دهند و مجبور بهپناه بردن در مؤسسات جدید سرمایهداری برای پیدا کردن کار و ادامهٔ زندگی شدند.

این چنین بود که تحت لوای «برتری سفیدپوستان» قسمت جدیدی از استثمار کاپیتالیستی که شدیداً وابسته بهامپریالیزم انگلستان بود بنا نهاده شد.

«سسیل رُدُز» طراح و مجری این سیاست امپریالیستی شد. در اوائل قرن موقعیکه در اوج شهرت بود، جوان ناشناسی را بنام «شمواینزمن» همکار خود گرداند. شخص مذکور یکی از استادان زبردست اجرای نقشههای صهیونیسم بود و در مکاتبات دائمی که با دوست صمیمی «رُدُز» یعنی ژنرال «اسموتس» داشته، متذکر میشده است که دوستدار ملاقات «با مرد بزرگ» میباشد. متأسفانه چنین ملاقاتی نتوانست هرگز بهوقوع بپیوندد، هرچند که «واینزمن» در تماس دائم با «اسموتس» میبوده است.

ارتباط نزدیکی که بین استعمارگران رودزیائی و صهیونیسم وجود دارد، بسیار واضح است. این دو خواستار شورش بر علیه سیاست «سرزمین مادر» هستند. این دو دولت مستعمرهنشین بهمنظور اولویت دادن بهمنافع شخصی خویش بهآنجا رفتهاند. (و از طرفی منافع این دو کشور شدیداً بسته بهمنافع انگلستان میباشد).

اینان بر علیه اکثریتی که اکنون از دست دادهاند، شوریده و در آنزمان انگلستان سعی در جلوگیری از یک گسیختگی کدورت را داشت و در زیرنقاب لیبرالیسم سیاسی، اهداف اقتصادی خویش را پنهان ساخته بود و با خونسردی و توصیف از یک تقسیم عادلانهٔ قدرت بین او (انگلستان) و مستعمرههایش سخن میراند.

این چنین بود که در اوائل سال ۱۹۴۰ صهیونیستها دست بیک بسیج افکار عمومی جهت پایان یافتن کنترل انگلیسیها و خاتمه دادن بهسلطهٔ این کشور بر فلسطین زدند. در سال ۱۹۶۵ «اسمیت» نطق خود را که دربارهٔ «استقلال یک جانبه» بود، ایراد کرد. تنها تفاوتی که وجود دارد این است که قضیهٔ انجام شده مربوط بهسال ۱۹۴۸ خیلی زود شناخته شد و انگلستان در بدو امر روابط و مناسباتی را با دولت جدید برقرار کرد.

بالعکس انگلستان رسماً بر علیه اعلام استقلال رودزیا اعتراض و سخن براکنی میکند، رودزیائی که بهبرههای متفاوت از تاریخ جهان قدم میگذارد، عصریکه بعلت پیشرفت و جهش نیروهای ضدامپریالیستی، تبلور یافته است. با این وجود امپریالیسم هرگز مانع اتخاذ نیروهای سخت و خشن رژیم اسمیت نخواهد شد. ممانعت اقتصادی که از طرف سازمان ملل متحد تحمیل شده بود نیز نتیجهٔ قابلتوجهی نداد چون تعداد زیادی از شرکتها پیش از حد صاحب امتیازات و انحصارات تنباکو و سنگهای معدنی رودزیا هستند. ولی اساسیترین عامل و ستون مبارزه علیه رژیم اسمیت، همان خلق است که مستقیماً استثمار شده و مظلوم واقع شده است: یعنی خلق زیمبابوه.

یک مقاومت طولانی

بمحض تسلط و یورش بریتانیا در ۱۸۹۰ خلق زیمبابوه مقاومت دلاورانهٔ خود را بر علیه استثمار خویش و برای دستیابی بهتمام خوبیهائی که از آنها گرفته شده بود، شروع کرد شهدای زیادی قربانی شدند چنانکه گاه قبیلهای بطور وحشیانهای مورد یورش قرار گرفته و همگی قتلعام میشدند. امروزه تجاربی که خلق زیمبابوه در جریان مبارزه بدست آورده است. باو چنین اجازهای را میدهد که با تمام وسایل و راهحلهای موجود چه سیاسی و چه نظامی بر علیه استعمار مبارزه کند.

در سال ۱۹۶۰ حزب دمکرات ملی بوسیلهٔ مبارز اتحادگرا جشوانکومو Jashua-Nkomo پایهریزی شد. بعلت تبلیغ و انتشار این فکر در افکار عمومی که خواستار دولتی باشند که بیانگر اکثریت جامعه (سیاهپوستان) باشد ــ اعضای این حزب تحت پیگرد قرار گرفتند. در حالیکه حربهٔ اختناق نیز نتوانست کاری از پیش ببرد، انگلیسیها خود را مجبور بهپذیرش درخواست حزب دمکرات ملی مبتنی بر تشکیل یک کنفرانس، دیدند.

تصمیم دربارهٔ تشکیل یک دولت «اقلیت» میبایستی علیرغم مخالفت مصنوعی و خیمهشبازی اکثریت افریقائی در این کنفرانس گرفته میشد.

از این پس مذاکرات ادامه نیافت تا اینکه نطق اسمیت دربارهٔ استقلال ایراد شد.

جنبش ملی زیمبابوه نخست از در راهحلهای سیاسی و مسالمتآمیز موفق شود و در این راه انرژیهای زیادی صرف گردید و گمان میکرد که امکان خواهد داشت تا از این راه موفق شود و تا آنجا پیش رفت که از رژیمهای خارجی تقاضای فشار بر روی سالیسبوری جهت کسب امتیازاتی کرد. در این زمان خلق زیمبابوه هنوز کاملاً برای یک رودررویی مستقیم خود را آماده نکرده و تصمیم بهاحقاق حقوق خود از راه خصمانه، نه سیاسی و مسالمتآمیز، را نگرفته بود. با این وجود پایههای اساسی مبارزه بوسیلهٔ حزب ZAPU (اتحادیهٔ خلق افریقایی زیمبابوه). در مرامنامه حزب «اصول ایدئولوژیک» اتحادیهٔ خلق افریقایی زیمبابوه یک برنامهٔ مبارزه را در نظر دارد. در این مرامنامه آمده است: اختلافیکه در بین خلق زیمبابوه وجود دارد ناشی از دو پدیده میباشد: استثمار کاپیتالیستی که اصولاً اساس رژیم کنونی و نژادپرست رودزیا را تشکیل میدهد و همچنین جمعبندی میکند که: «نه تنها که یک انقلاب در زیمبابوه غیرقابل احتراز میباشد که ضروری نیز هست.» انقلابی که در جریان است «یک انقلاب مسلحانه خلقی» است که باید «تغییر بنیادی و اساسی در شیوه زندگی در سطح جامعه ایجاد کند». همچنین در این مرامنامه آمده است که: «سوسیالیسم بهترین شیوهٔ زندگی میباشد و در نتیجهٔ این نوع سیستم است که باید زندگی خلق زیمبابوه را تنظیم نماید.»

و بعدها دو سازمان دیگر بهاتحادیه خلق افریقائی زیمبابوه ملحق میشوند: «اتحاد ملی افریقائی زیمبابوه» (Zanu) و «جبهه برای آزادی زیمبابوه» (FLORIZI).

سقوط استعمار پرتغال، شرایط مناسبتری برای مبارزه در راه آزادی زیمبابوه بوجود آورد اکنون دیپلماسی «بریتانیک» شدیداً در سدد جستجوی یک راهحل و بوجود آوردن زمینهای جهت سازش با رهبران زیمبابوه، میباشد.

ولی قطعاً آزادی این سرزمین نه با دیپلماسی «بریتانیک» و نه با دخالت رژیمهای دستنشانده افریقائی تحقق نخواهد یافت، بلکه با هرچه تیزتر کردن پیکانهای مبارزهٔ خلقی بوقوع خواهد پیوست

ژانویه ۱۹۷۶ شماره ۱ از مجله فرانسوی زبان: فلسطین در حرکت ــ از انتشارات O. L. P.

محرم، ماه خون و پیام

محرم ماه خون، ماه شرف، ماه شهادت، ماه انقلاب و ماه حسین سرور آزادگان و آقای شهیدان و ماه زینب این سفیر انقلابی خون و پیام حسینی. پیامآور عزت و قیام و انقلاب و مبارزه قهرآمیز توحید و شرک.

ماهی که قلبهای پر طپش و خونهای جوشان بهفریاد درمیآیند، چشمها میبینند، گوشها میشنوند و دلها درک میکنند پیام انقلابی زینب را لمس میکنند جوشش خون حسین را و حسین گونهها را.

و بیاد میآورد حماسه پرشکوه قیام مردانه انسانی را که انتخاب میکند از ذلت، شرف، شرف را لقاءالله را و کمال را. مردی که با عظمت و شکوه و با سربلندی و غرور در برابر لشکر انبوه باطل با اندک یاران با وفایش، پیام قرآن سرمیدهند و نغمه الهی را در گوشهای زنگ زده سپاه یزید میتوازند و خود مردانه شربت شهادت مینوشند، از کودک، پیر و جوان، از نوزاد ۶ ماهه تا حبیب پیرمرد ۹۰ ساله.

ماهی که یادآور تلاشهای خستگی ناپذیر زینب این پیامآور حسینی برای تمام عصرها، تمام نسلها و برای تمام سرزمینها.

ماه پیروزی خون بر شمشیر و بهرسوائی کشاندن نظام حاکم. یادآور تضاد آشتیناپذیر حق و باطل و برخورد قهرآمیز جبهه حسین ــ حق ــ و جبهه یزید ــ باطل، و درسی برای تمام مسلمین، که برای تمام آزادگان و برای تمام انسانهائی که آزادگی و شرف را در اعتلای روح انسانیت و شرف میبینند، و پیامی برای تمام آنان که اگر این ندارید لااقل آزاده باشید. و آزاد زیستن و حفظ شرف والای انسانیت آرمانشان و هدفشان است. و پیامی برای ما، شیعیانش و برای همه که تنها «رهائی جنگ مسلحانه است»، که تضاد حق و باطل جز از طریق شمشیر و تفنگ حل نمیشود، که سازش و تسلیم جز ننگ و شرکت افتضاحآمیز برای انسانهای طالب حق و آزادگان بیار نمیآورد، که برای رسیدن بکمال و برای نابودی خصم سرسخت و تا بدندان مسلح، اسلحه و جهاد مسلحانه تنها راه است.

خلق ما نیز که قرنهاست با الهام از مکتب حیات بخش حسینی و تکیه برشعار همیشه جاوید او، انّ الحیوة عقیده و جهاد را بارها در زیر شکنجه و شهادت بهاثبات رسانده و خود را فدا کرده تا درسی را که حسین با خونش و زینب با پیامش داد، جاودانه بماند.

خلق ما در طی قرون و اعصار، محرم را و عاشورا را تبدیل بهصحنه برخورد پرشکوه خود با مزدوران و چپاولگران و غاصبان و قاسطان کرده و بحق با خون پاکشان و با شهامت حسین گونه و با جسارت زینب گونهشان ثابت کردند که کل شهر محرم، کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا. و همیشه نشان دادند که با نزدیکی محرم مبارزات و نفرتشان از رژیمهای مزدور و یزید گونه زمان بهاوج خود میرسد. نگاهی هرچند سطحی و گذرا بهسیر مبارزات طولانی خلق نشان دهنده این واقعیت است که منحنی مبارزه در محرم اوج میگیرد و در عاشورا شکل قهرآمیز بخود میگیرد، و این خود بیانگر عظمت این حماسه همیشه جاوید و پیوند ناگسستنی تودههای محروم با این کانون همیشه آتش و خون و انقلاب است.

پانزده خرداد ۴۲ همین خلق را میبینیم که در ماه حسین رژیم را با ۱۵ هزار شهید و هزاران زخمی مفتضح میکند. و همین پارسال که با رسیدن محرم در سکوت تحمیلی حکومت نظامی، توپ و تفنگها را به سخره میگیرد در «سرچشمه» سینههایش آماج گلولههای آمریکائی مزدوران قرار میگیرد اما طنین الله اکبرشان اوج میگیرد و در تاسوعا و عاشورا حسینی انبوه خلق همراه با پدر طالقانی نفرت و انزجار خود را از رژیم دست نشانده بهجهانیان نشان میدهد و مُهر باطل دیگری در صحنه جهانی بر رژیم منفور پهلوی میزند.

مسلمین را این همه عظمت و شکوه جاودان باد، بهجاودانگی خون حسین و پیام زینب

دستآویزی برای گروههائی که عرض کردم، مسئله مذهب بود. از وقتی که پیشنویس قانون اساسی منتشر شد، اینها توانستند فعالیتهایشان را گسترده کنند و مردم هم تا حدودی حرفشان را باور کردند ــ یعنی مردم میگفتند که این دولت مذهب ما را برسمیت نمیشناسد و مردم عوام میگفتند «پس ما از این بهبعد باید شیعه بشویم.» و بهما میگفتند «شما این گروههای اسلامی که بهما اینهمه وعده میدادید که بعد از انقلاب عدالت اسلامی اجرا خواهد شد و برابری مذهبی و مساوات اسلامی ایجاد خواهد شد، اما مثل اینکه در عمل اینطور نیست.» و حتی بعنوان مثال یکی از شیوخ مشهور منطقه بنام شیخ عثمان نقشبندی که در درود ساکن بود. از منطقه خارج شد و بهعراق رفت و الآن دارودستهای دارد و طرفدارانش هم اکنون سلاح برداشتهاند و دارند میجنگند. پس این مسئله عدم برابری مذهبی دستآویز خوبی بود برای ایجاد و گسترش ناآرامیها.

چهارم ــ ستم ملی ــ کردها ۲۵۰۰ سال تحت ستم پادشاهان غاصب قرار داشتهاند و همیشه هم برای احقاق حق خود در مبارزه بودهاند. متأسفانه با خوشبینی که داشتیم فکر کردیم که بهمحض پیروزی انقلاب بهنیازها و خواستههایمان خواهیم رسید. ولی متأسفانه دیدیم که در عمل اینطور نشد و ما که در منطقه کردستان هستیم نمیتوانیم بهزبان خودمان بنویسیم و یا بخوانیم. آی شما اجازه میدهید که فرزندان و برادرتان در سن ۶ سالگی بهمدرسه بروند و اوّل بار زبان کردی و یا ترکی بخوانند. آیا یک فارس زبان میتواند زبانهای دیگر را اوّل یاد بگیرد و نه زبان مادری خودش را. ما هم بهمردم میگفتیم که مردم مسلمان این حق در قرآن از طرف خدا بهما داده شده است. ما میتوانیم بهزبان خودمان بخوانیم و بنویسیم. در حکومت اسلامی که ما چهارده قرن است آرزوی آنرا داریم خواستههایمان برآورده میشود و ما میتوانیم در مذهبمان آزاد باشیم و لباس خودمان را بپوشیم و اختیاراتمان نیز از طریق ایجاد شوراهای اسلامی در دست خودمان باشد و امور خود را از این بهبعد خودمان اداره خواهیم کرد و... ولی متأسفانه دیدیم که همهٔ اینها، که البته واقعیتی هم بود، بعلت تعلل دولت و اینکه نیروهای دیگر بشدت تقویت میشدند، محرک وقایع کردستان شد.

پنجم ــ باز بودن مرزها ــ مرز ایران و عراق در حال حاضر کاملاً باز است. بعنوان مثال همین گروهی که از مریوان آمدهاند، کاملاً مسلح بودند و از مریوان تا کرمانشاه هیچ کس از ما نپرسید که شما با این اسلحهها بهکجا میروید؟ بهرحال مرز باز است و فعالیتهای مختلفی هم در منطقه در جریان است. عدهای صرفاً برای خرابکاری فعالیت میکنند. عدهای هم برای مکتب و مرام خودشان فعالیت میکنند. گروههای فارس، ترک، گیلک و مازندرانی آمدهاند و لباس کردی پوشیدهاند و بهعنوان خلق کرد حرف از زبان و مذهب و خودمختاری خلق کرد میزنند. و آن چیزهائی را که واقعاً حق ما است، اینها بعنوان دستآویز مورد استفاده قرار دادهاند. و واقعاً ما را دیگر خلع دلیل کردهاند.

این جریانات بهاضافه کارها هیئت حسننیت که همهٔ شهرهای کردستان را با یک چشم نگریستند و دستور دادند که ارتش هیچگونه مداخلهای نکند و حتی حفاظ دور شهر را نیز ترک کرده و بهپادگان برگردد و بعد هم تقاضای خلع سلاح را فقط مسلمانها با کمال علاقه بپذیرفتند و اینکه گروههای دیگر هنوز مسلح هستند و مسلماً آرام نمینشینند. ما هم بعنوان مسلمانان مریوان مجبور شدیم که تصمیم

بقیه در صفحه ۷

اگر اختیارات کافی بهشوراهای اسلامی، آنچنان که قرآن دستور داده است، داده شود، مسئله کردستان حل خواهد شد.

باید بهخواستههای مشروع مردم در چهارچوب جمهوری اسلامی و تا آنجا که بهوحدت اُمّت لطمه نخورد و یکپارچگی مملکت حفظ شود، پاسخ مثبت داد.

بقیه از صفحه یک

مصاحبه با اهالی مریوان

این عدهای که در مجلس خبرگان متحصن شدهاند، بقدری حسن نیت دارند که معتقدند اگر برآوردن خواستهای ما، بهیکپارچگی مملکتمان لطمه بزند ما از آن خواستهها صرفنظر میکنیم.

اوّل ــ سیاست گامبهگام دولت بود که در مورد کردستان نیز بکار برده شد. و هرچه دولت گامبهگام بهجلو میآمد، گروههای دیگر کیلومتر بهکیلومتر بهپیش میرفتند.

دوّم ــ گماردن ناصالح و کسانی که مؤمن بهانقلاب اسلامی ایران نبودند در پستهای مهم در این مورد میتوان از جمله از استاندار سابق کردستان نام برد. این شخص با تمام گروههای غیراسلامی و ضداسلامی سازش کرد و دولت هم فکر میکرد که اگر ایشان کمی با این گروهها کنار بیاید مسئله حل خواهد شد. ولی دیدیم که همین مسئله همهٔ این گروهها را در یک صف واحد بر علیه انقلاب اسلامی قرار داد. برای مثال در شهر مریوان، پولی را که بهنام وام کارگری دولت میداد، ایشان بهگروههای چپ میداد و این گروهها آنرا بین مردم توزیع میکردند و بهنفع خودشان بهرهبرداری میکردند.

مسئله مذهب در کردستان

سوم ــ عامل دیگری که بسیار مهم بود و

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

شعر «آبادی ددان» از خانم طاهره صفارزاده، در بحران سفاکی‌های رژیم شاه و زمان زمامداری شریف‌امامی در جزوه «هنر مقاومت» بچاپ رسید و در جلسات سخنرانی‌های مبارزاتی آنروز بطور وسیعی خوانده شد. این شعر که با طنزی تلخ و کوبنده از آبادانی‌های شاه پرده برمی‌دارد در عین حال توصیفی است از ماهیت و نقش امپریالیسم و همچنین پاسخی به‌پاوه‌گوئی‌های رسانه‌های گروهی خارجی وابسته به‌امپریالیسم* که در آن موقع همه یک موضوع واحد را تبلیغ می‌کردند و آن عبارت از این بود که شاه یک رهبر مترقی است و چون در برنامه‌های «آباد»سازی کشور سرعت بکار برده از این جهت ملاّها و در راس آنها آیت‌الله خمینی به‌مخالفت با او برخاسته و به‌تحریک توده‌ها علیه وی پرداخته‌اند.** هر چند رسانه‌های گروهی ایران در آنموقع از چاپ و انتشار این شعر سرباز زدند، اما این شعر بزبانهای فرانسه، آلمانی، اسپانیائی و در نشریات متعهد اروپا و آمریکای لاتین به‌چاپ رسید و نقش افشاگری متعهدانه و مؤثری داشت.

* امپریالیسم یا عقابان نقشهٔ جغرافیا

** پاره‌ای از مطبوعات ایران بدفاع غیر مستقیم از مجلهٔ نیوزویک پرداختند.

آبادی دَددان

مُلک از جمیع جهات آباد است
آباد از تدارک مرگ آوران
تفنگ
تانک
زره پوش
خطوط ارتباطی خدعه
زور و مسلسل و سرنیزه
در هر سوی بلاد بپاخیزان
در هر سوی بلاد ملت ایمان
و چارسوی بسته‌ی میدان
میدان دام
در خون ستاده اند
تَلهای سربلند شهادت
تلهای بیشمار شهیدان
بی‌اعتنا به همهمه‌ی توطئه گران
بی‌اعتنا به پستی خبر رسمی ددان
ارقام رسمی یک از هزار

بر تارک خبر کُشان جهانی
جهانی از تفاهم سوداگران
* "اخبار هفته" و همدستان

ملک از جمیع جهات آباد است
آباد از نظارت طراحان
طرح نمونه‌ی آبادان
طرح شکنجه‌ی همگانی
طرح شکنجه های نهانی

معمار خارجی
بنّای داخلی
برج و بنای قلعه‌ی دزدان
مشرف به قوم دزد زده
مشرف به سر پناه
مشرف به زاغه
عشرتکده مقابل زندان
زندان مجاور نابودستان
و گورگاه صداها
حنجره ها
نادیدنی
بی سنگ و بی نشان

ملک از جمیع جهات آباد است
آباد از تمدن فرعونیان

آباد از تمدن دگران
فانتوم
نئون
پلیس
پلاسکو
کتیبه های عهد جنون
کویرهای عهد رناه
رواج صنعت و ماشین حرف
ماشین وسوسه و تعریف
ماشین تخطئه و تحریف
ماشین شستن پاکی ها
ماشین پخش پلیدی ها
هم باشگاه باستانی غارتگران
هم سینمای مرگ
سینمای زنده سوزی انسان

ملک از جمیع جهات آباد است
در زیر بال باز عقابان
عقابهای نقشه‌ی جغرافی
عقابهای دشمن بیداری
عقابهای شکاری
شکار مادّه و معنا
شکار سکه و آزادی

ملک از جمیع جهات آباد است
ما نقشه ای برای ملک نداریم
اما هوا بدرد تنفس نمی‌خورد
هوای خدعه و باروت
هوای ظلم و دروغ
و باغهای مشجر
باغهای بالا
باغهای فرستنده‌ی هوا
انصاف نیست
آلوده از نفس سمی ددان باشد
ددان دشمن بیداران
ددان دامگذار
ددان دست نشانده
ددان دست آموز
ددان در پناه عقابان

ملک از جمیع جهات آباد است
اما هوا بدرد تنفس نمی‌خورد
فکری برای سمّ هوا باید کرد

طاهره صفارزاده
شهریور ۱۳۵۷

* مجله آمریکائی نیوزویک

پیرامون مجلس خبرگان و اصول

بقیه از صفحه اول

کارپذیری و تصمیم‌گیریهای واکنشی و غیر تعرضی، ما را در موضع قدرت در برابر دشمن قرار نخواهد داد. اینجاست که باید به‌خودی پرداخت. و امّا در حال حاضر و در جامعه ما، خودی کدامست؟ پایگاهش چیست؟ از کجا میآید و بکجا باید برود...؟

واضح است، که بهنگام صحبت از خودی، پیش از هر چیز مجلس خبرگان جلب‌نظر میکند عملکرد مجلس خبرگان نشان خواهد داد که عوامل درونی جامعه در چه موقعیتی‌اند. آیا تاب مقاومت در برابر دشمن ورزیده دارند یا نه. اینک در زیر به‌بررسی این مهم میپردازیم.

از آنجا که ادعا میشود که نمایندگان مجلس خبرگان صد در صد نمایندگان مردم‌اند، باید آنچه را مردم میخواهند بتصویب برسانند. البته آسان‌ترین جواب مجلس خبرگان اینست که مردم اسلام را میخواهند و ما هم قوانین اسلام را برای آنها تصویب کرده‌ایم. در این که مردم اسلام را میخواهند هیچ شکی نیست. ولی آیا واقعاً این قانون ــ بویژه اصول اقتصادی آن ــ انعکاس اسلام است؟ آیا عدم تصریح حرام بودن نرخ بهره (نه فقط ربا که بعضی باصطلاح خبرگان بین ایندو تفاوت می‌بینند!)، خواست مردم و قرآن است؟ در حالیکه امام از سالها پیش بهرهٔ بانکی را صد در صد تحریم کرده است، مجلس خبرگان خود را خبره‌تر از امام میداند که باین موضوع تصریح نمیکند و فقط از «ربا» ــ که مفهومی است قابل تفسیر و توجیه و اخیراً زمزمه‌هائی حتی در روزنامه‌های اسلامی در توجیه نرخ بهره و جدا کردن آن از ربا دیده شده ــ نام میبرد.

آیا این همان خواست توده‌های اسلامدوست (نه اسلامشناس) است؟ در همین رابطه، در حالیکه امام خود میگوید که زن میتواند رئیس جمهور شود، ۴۵ نفر از اعضای مجلس خبرگان رأی بر عدم صلاحیت زن برای ریاست جمهوری میدهند و یکی از آنها پشت تریبون مجلس و توی روی میلیونها زن ایرانی میگوید: چون در زن حس [illegible] است، نمیتواند بمقام ریاست جمهوری برسد. آیا این اسـ[illegible]اب ۶۰۰ زنی که یکجا در میدان شهدا، شهید شدند؟!

پس کدام اسلام را میخواهید تصویب کنید؟ مگر آب، سوخت و روئیدنی (مرتع) در فقه اسلامی، جزء مشترکات نیست؟ اگر اینطور است، چرا مالکیت خصوصی بر آب و مراتعی که حریم است (حریم فئودالهای سابق) در قانون اساسی تجویز شده است؟ کدام اسلام را تصویب میکنید؟ منظور از این حرفها اشکالتراشی و سنگ انداختن جلوی لکوموتیو وارنان انقلاب نیست...!! صحبت بر سر اینست که شما را بخدا فقط فقه‌اسلامی را بهمان مفهومی که فقها در کتابهای خود شرح داده‌اند بیاجرا در آورید، به‌نرخ بهره مشروعیت ندهید، مشترکات را بمالکیت خصوصی درنیاورید و حرام خدا را حلال نکنید...!

مجلس خبرگان نمیبایست باین سرعت، بتصویب اصولی که حتی خود فقها بر سر آن اختلاف‌نظر دارند، بپردازد. قانون اساسی را در آینده هم میتوان تصویب کرد. مملکت را بدون قانون اساسی هم برای مدتی میتوان اداره کرد. اگر اینطور نیست، پس این فرهنگ و میراث غنی اسلام بچه درد میخورد؟ مگر شورای انقلاب چکاره است. مگر نمیتوان بعد از انتخاب رئیس جمهور، با فرصت بیشتر مجلس خبرگان را ادامه داد و یک قانون اساسی صد در صد اسلامی تصویب کرد؟ قانونی که قادر به‌ارضای خواسته توده‌های محروم باشد.

آیا اصول اقتصادی قانون اساسی که اینهمه مردم محروم بدان چشم دوخته‌اند، میتواند سرمایه‌داری، بویژه سرمایه‌داری وابسته (صنعت مونتاژ) و فئودالیسم را از بین ببرد؟ این شور ضد امپریالیستی که اینک متعاقب مصادره ستاد عملیاتی سیا در ایران اوج گرفته، آن اصول اقتصادی را میطلبد که بتواند سرمایه‌داری، بویژه سرمایه‌داری وابسته را از بین ببرد و دست بیگانه را از این مملکت کوتاه سازد. متأسفانه اصول اقتصادی مصوب، نمیتواند این خواسته‌ها را ارضا کند. برای روشن شدن این موضوع گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی دکتر حسن توانایان‌فرد که روز چهارشنبه گذشته در دانشگاه تربیت معلم، در اعتراض به‌اصول اقتصادی قانون اساسی انجام شد میآوریم.

*** درحالیکه امام خود میگوید، که زن میتواند رئیس جمهور شود، ۴۵ نفر از اعضاء مجلس خبرگان رأی برعدم صلاحیت زن برای ریاست جمهوری میدهند...**

*** به‌نرخ بهره مشروعیت ندهید، مشترکات را بمالکیت خصوصی درنیاورید و حرام خدا را حلال نکنید..!**

سکوت اعتراض‌آمیز و کنفرانس مطبوعاتی دکتر حسن توانایان‌فرد

دکتر توانایان‌فرد که سهم مهمی در بالا بردن دانش اقتصادی جوانان مسلمان و تفهیم اقتصاد اسلامی بآنان در دوران انقلاب داشته است، اکنون بعنوان اعتراض باصول اقتصادی قانون اساسی و مورد توجه قرار نگرفتن انتقادات و پیشنهادات او توسط مجلس خبرگان، بمدت یکماه سکوت اختیار کرده و

بقیه در صفحه ۸

وقتی حسین در صفتان نیست

با در رکاب عشق
از خیل حاجیان به‌در آئید
کین‌جا، نه جای معشوق
و اینان نه عاشقند
که عاشقان را
میعاد دیگریست
در سرزمین دیگر
وقتی که بوی ظلم
بُر می‌کند مشام
وقتی که رنگ حیله
رنگین نمود هر چیز
هر جهد جز جهاد «حتی» خمس و زکات و حج
توجیه ظالم است
هان با شمایم
ای خیل تاجر و ترسو
وقتی حسین در صفتان نیست
وقتی حسین از صفتان می‌شود برون
یعنی گروهتان در راه باطل است
حتی اگر صد طلحته‌الخیر
در جمعتان به‌طواف است
هان با شمایم
ای خیل تاجر و ترسو
وقتی حسین در صفتان نیست
حرفی برای گفتنتان هست؟
اسلام محتضر
در واپسین نفس
تنها بخون نیازمند است
و شما ای تاجران ترسو
هر یک به‌یک سخن
در گرد بستر اوئید
اسلام این مکتب تمام زمانها
در قهقرای رو به‌جهالت
از پا فتاده است
و حسین
این وارث بحق شرافت و انسان
این پاسدار بحق دین محمّد
تا طرح یک جرا
تا طرح یک سئوال
حج ناتمام
از خیل حاجیان به‌در آمد
از مکه این تداعی فروت
تا کربلا
این سرزمین ایثار
و عشق و خون
این سرزمین شهادت
بسیار فاصله است
تنها به‌پای عشق
این راه رفتنی است

ح ــ م دزفول

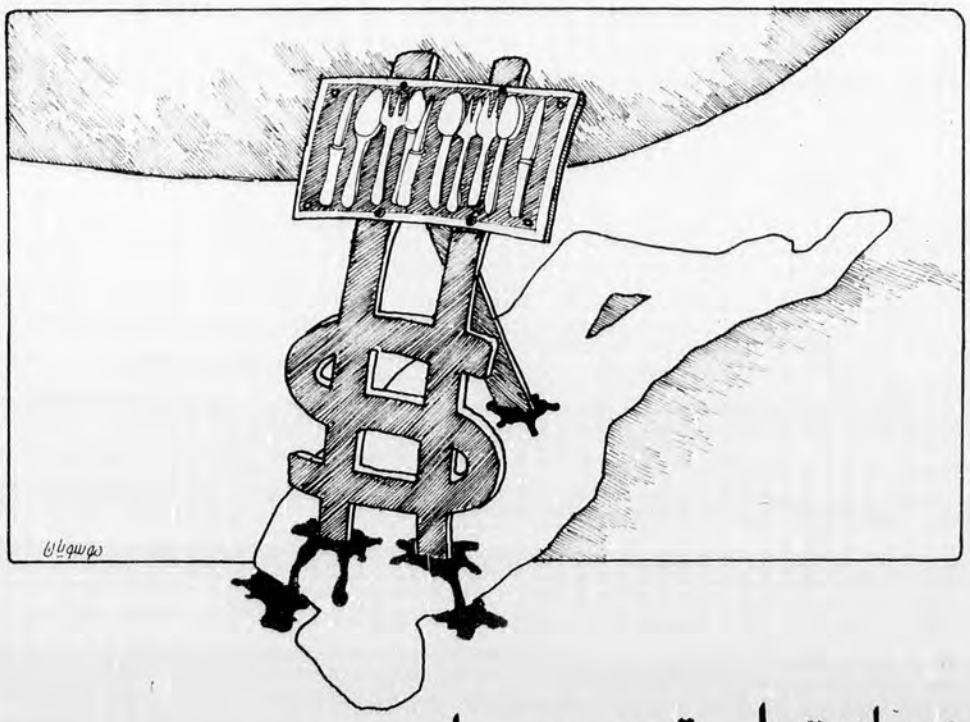

بقیه از صفحه اول

خشم طبیعت و

که در این مدت، ایران را به‌بهشتی برین تبدیل سازند ولی حداقل انتظار داشتیم که با طرح و عمل چند برنامهٔ ضربتی از وقوع چنین حوادث وحشتناکی جلوگیری می‌نمودند! براستی عقیدهٔ آنها در اینمورد چیست؟ آیا باید فقط ابراز تأسف و ناراحتی کرد؟ آیا قبلاً هم اینگونه تأسفها را در رابطه با حوادث کردستان و دیگر نقاط ایران نشنیده‌ایم و نمی‌شنویم؟ بطور یقین اینگونه ابراز تأسفها دردی را دوا نمی‌کند و باری از دوش این ملت برنمیدارد. همانگونه که قبلاً هم گفته‌ایم طرحهای عمرانی و بازسازی کشور جز بدست خود مردم و با اینکار عمل خود آنها به‌جائی نخواهد رسید و تنها از طریق شوراهای مردمی است که میتوان ایران را دوباره ساخت. ما امیدواریم که مسئولان امر سخن ما گوش گیرند تا دیگر شاهد چنین حوادثی در میهنمان نباشیم.

ما ضمن همدردی با خواهران و برادران زلزله‌زده این حادثه را به‌خلق ایران و امام خمینی تسلیت می‌گوئیم.

پیام طالقانی، شهادت است و شورا

گزارش از:

شرکت معدنی دونا

● اگر نظام شورائی در کارخانه حکفرما نگردد و طرح ملی شدن صنایع و معادن به‌فوریت در کارخاز ها اجرا نگردد، مارکود و از کار افتادن کارخانه‌ها را بدنبال خواهیم داشت

معدن تهیه سرب دونا در ۲ کیلومتری آبادی کلوتگاه و در ۲۲ کیلومتری جاده انشعابی از پل زنگوله در جاده تهران چالوس واقع است. تولید عمده آن سرب است که از سنگهای استخراجی از معدن دونا حاصل شده و برای صادر شدن به‌شوروی، به‌بندر انزلی فرستاده میشود. تولید آن بصورت دو مرحله انجام میگیرد:

الف: استخراج و انبار سنگ در بهار و تابستان

ب: تصفیهٔ سنگ و بدست آوردن سرب

لازم بتوضیح است که چون دستگاههای تصفیه سرب نمیتوانند خاموش بمانند سرتاسر سال کار می‌کنند اما چون در زمستان امکان استخراج سنگ میسر نیست لذا در بهار و تابستان سنگ مورد نیاز برای ۶ ماه آخر سال را نیز انبار می‌کنند حداقل میزان تولید بایستی ۳۰۰ تن در ماه باشد که مقرون بصرفه باشد بعد از انقلاب بعلت نسودن سنگ و قرار مؤسسین تولید آن روزی ۱ تن و در حال حاضر روزی ۱۵ الی ۱۸ تن می‌باشد. همچنین هرچه عیار سنگ استخراجی بالاتر باشد میزان بهره‌برداری سرب بیشتر خواهد بود که در راندمان کلی محصول مؤثر است.

سهامداران شرکت

این شرکت در سال ۱۳۴۸ با سرمایه ۲ میلیون ریال بوسیله اخوان فولادی و اخوان کوچک‌زاده و اسماعیل شازاد تأسیس و در اواخر همانسال محمود رضا پهلوی نیز جزوٌ سهامداران میشود. در سال ۱۳۵۸ وضعیت سهامداران عمده شرکت بشرح زیر است: در حدود ۲۲٪ محمودرضا پهلوی ـ ۱۶/۵٪ شرکت توسعه و سرمایه‌گذاری خلیج‌فارس ـ ۲۹/۸۳٪ اسماعیل شازاد ۱۸/۷۸٪ شرکت معدنی گل‌تپه ـ ۱۲/۷٪ اخوان کوچک‌زاده (سهام محمودرضا پهلوی اکنون متعلق به‌بنیاد مستضعفین است) برای تهیه گزارش از معدن فوق به‌معدن میرویم و از نظر آقای مهندس عاملی مدیر فعلی معدن اطلاع می‌یابیم: ایشان تعداد کارگران را ۷۳ نفر ذکر می‌کند که ۱۰ نفر آن در معدن و بقیه در کارخانه کار می‌کنند و از سه روستای کجور و کلونگاه و کمرگاه به‌معدن می‌آیند که کارگران ده کجور در کارخانه مسکن دارند و بقیه به‌روستاهای خود میروند همچنین ایشان می‌گویند برای جلوگیری از بیماریهای ناشی از استنشاق پودر سرب، روزانه به‌کارگران شیر داده می‌شود و برای تأمین حمام آنها درخواست آبگرمکن شده که بلااثر گردیده و ضمناً چون تهیه یک‌وعده غذای گرم برای کارخانه مقدور نیست هفته‌ای ۱ کیلو گوشت به‌کارگران داده میشود که هم‌اکنون توسط مقامات مسئول از دادن گوشت جلوگیری شده پزشکی پاکستانی در درمانگاه معدن است که بعلت اهمال مقامات بیمه از معالجه کارگران عاجز است (ندادن دارو و بدون اثر تلقی کردن نسخه‌های ایشان بخاطر نداشتن نظام پزشکی) مهندس عاملی عدم مدیریت و سوءاستفاده‌های کلان سهامداران قبلی و فعلی را مشکل فعلی کارخانه میداند ایشان میگوید علیرغم سوءاستفاده‌هائیکه سهامداران از شرکت نموده‌اند و بدهکاریهائیکه این معدن دارد هنوز دولت این معدن را ملی ننموده است، و باز سروکله سهامداران به‌معدن پیدا گردیده همچنین می‌افزاید که در سه ماهی که اینجا کار کرده‌ام به‌این نتیجه رسیده‌ام اگر قرار باشد باز برای یک عده سودجو و فرصت‌طلب کار نمایم بهتر است اینجا را ترک کنم (تمام کارگران از مدیر فعلی کمال رضایت را دارند) مهندس عاملی خواسته‌های کارگران را طرح طبقه‌بندی مشاغل افزایش حقوق و بهره‌مندی از بیمه ذکر می‌کند و نیز می‌افزاید ۱۰٪ حقوق کارگران اضافه شده که در دو نوبت ۶ ماهه و هر دفعه ۵٪ تصویب گردیده است. حداقل حقوق کارگران را روزی ۴۰ تومان و حداکثر ۱۷۰ تومان مهندس عاملی ذکر می‌کند. همچنین به‌حقوق کارگران حق مسکن، حق اولاد و سودویژه تعلق می‌گیرد و اهالی کلونگاه از برق مجانی و گازوئیل برای مصرف زمستان بطور مجانی استفاده می‌کنند.

برای جویا شدن از وضع کارگران و تاریخچه معدن و نیز مشکلات کارگران با یکی از برادران کارگر (جمشید توکلی) به‌صحبت می‌نشینیم و از نظرات ایشان آگاه می‌گردیم

«۱۵ سال است اینجا کار می‌کنم و در کلونگاه زندگی می‌کنم اوائل در ۱ کیلومتری این معدن پیدا شد که ما روزانه ۲۰۰ تا ۵۰۰ کیلو سرب برداشت می‌کردیم تا اینکه اخوان مشحون که اهل دونا بودند این معدن را تصرف کرده و اسم آنرا دونا گذاشتند درصورتیکه باید معدن لنگه‌وجان باشد در اینجا دستگاهها را ما با خودیاری اهالی به‌کارخانه بردیم و نصب کردیم تا محمودرضا پهلوی اینجا آمد و سهامدار شد و بما وعده داد جاده می‌سازیم و تمام احتیاجات شما را تأمین می‌کنیم و شما اینجا شبانه‌روز کار کنید و معدن را بگردانید اما تمام اینها حرف بود و هیچ چیزی در این ۶ سال ما ندیدیم ولی در عوض بخاطر استخدام کردن راننده بدون گواهینامه کامیون از بالا سقوط کرد و ۳ نفر کشته شدند و راننده هم بدون مجازات آزاد کردند کارگرانیکه بعلت نبودن بهداشت کافی در کارخانه سلامتی خود را از دست میدادند بدون دادن حقی با اخراج می‌کردند و یا با حقوق ماهانه ۵۰۰ تومان از کارخانه بیرون می‌کردند هنگامیکه بهمن از کوه سقوط کرد و عده‌ای کشته شدند هیچگونه حقی به‌خانواده‌های آنها پرداخت نکردند و وقتی کارگرانی احقاق حق می‌کردند آنها را تحویل پاسگاه میدادند و کتک میزدند و سپس اخراجشان میکردند همانطور که ۲۵ نفر را اخراج کردند در این معدن ما انسانها فقط میبایست برای سهامداران کار کنیم و هیچگونه حقی دریافت نکنیم اما امروز دیگر ما زیربار این کارفرمایان سودجو حتی به‌ریخته شدن خون خود و خانواده‌هایمان نخواهیم رفت همانطور که چندی قبل آقای شازاد به‌اینجا آمده بود و میگفت کمیته چیست امام کیست من صاحب کارخانه هستم و باید برای من کار کنید ولی ما به‌او گفتیم دیگر دوران قبل از انقلاب بسر آمده و بهیچوجه زیر بار تو نمی‌رویم.

شورا باید منحل شود:

وقتی ما بعد از انقلاب بخاطر پرداخت نکردن ۴ ماه حقوقمان به‌کمیته چالوس رفتیم آنها با ۵۰۰ هزار تومان به‌اینجا آمدند که ما کارگران هیچ چیز نگرفتیم و گفتیم باید حقوق از دست رفته گذشته‌مان را هم بدهید تا اینکه شورائی مرکب از ۵ نفر تشکیل دادیم و وقتی به‌وزارت کار برای گرفتن خواسته‌هایمان مراجعه کردیم مقامات وزارت کار بما گفتند ما شورا نمی‌شناسیم بروید و فقط یک نماینده اینجا بیاید و شورا باید منحل شود اما ما بکمک کمیته مرکزی انقلاب فعلاً شورائی مرکب از ۳ نفر تشکیل داده‌ایم و شبانه‌روز فعالانه در کارخانه کار می‌کنیم تا مبادا چرخ کارخانه بخوابد ما معتقدیم بهتر است اینجا کار کند تا محصول آن را در شوروی بفروش برسانیم و بجای اینهمه صنایع مونتاژ ارز وارد کشور کنیم و پولمان را به‌کشورهای خارجی نفرستیم خواسته‌های کلی کارگران بطور کلی دریافت سرویس ایاب‌وذهاب ـ آمبولانس ـ دکتر ـ مرخصی سالانه ۳۵ اضافه حقوق برای شیکاری برای همه اعم از کسانیکه در کارخانه کار می‌کنند و یا کسانیکه راننده هستند و شبها نیز کار می‌کنند. طبقه‌بندی مشاغل و حق بیمه می‌باشد.

همچنین فاضلاب کارخانه مستقیماً بده می‌آید درصورتیکه اگر مسیر آنرا منحرف کنند به‌ته دره میرود این فاضلاب علاوه بر اینکه تمام زمینهای قابل کشت ما را از بین برده بسلامتی ما و خانواده‌هایمان ضرر می‌رساند همانطور که طفلی به‌لجن رفت و وقتی ما او را درآوردیم و شستشو به‌او دادیم اکنون کر شده است. انحراف مسیر فاضلاب مهمترین خواسته ماست که امیدواریم این خواسته ما برآورده گردد. ما میخواهیم دکتری اینجا باشد که سازمان بیمه اورا قبول داشته باشد نه اینکه پزشکی اینجا بفرستند و بعد بگویند چون خارجی است و نظام پزشکی ندارد نسخه‌های او برای ما بدون اعتبار است.» خواسته کارگران دیگر نیز همینطور است که ذکر آن تکرار خواهد بود و ما فقط به‌مشاهدات خود از معدن بسنده کرده و گزارش را بپایان می‌رسانیم به‌امید آنکه این گزارشات طنین زنگهائی باشد برای گوشهای ناشنوای مقامات مسئول.

از نظر بهداشتی این کارخانه در وضع بسیار اسفناکی بسر می‌برد و هرچند مهندس عاملی تا حدی آن را جبران نموده ولی بعلت ندادن اختیارات کافی از حل مشکلات عاجز است مضافاً به‌اینکه تاکنون چندین نفر یا از کار افتاده هستند و یا در وضعی بسر می‌برند که تا چند دیگر از کار می‌افتند و یا می‌میرند با توجه به‌افشاگریهائیکه کارگران برسابقه می‌کنند این کارخانه بایستی طبق مفاد قانون ملی شدن صنایع و معادن در اختیار دولت قرار گیرد ولی جای بسی تأسف است که علیرغم بدهکاریها و سودهائیکه مدیران و سهامداران از کارخانه برده‌اند هنوز دولت قصد ملی کردن آنرا نه تنها نداشته بلکه آقای شازاد قصد مدیریت در این کارخانه را هنوز دارد. همچنین بنیاد مستضعفین که ۲۲/۲۸٪ سهام آنرا دارد تا بحال اقدام عاجلی ننموده ما باز هم متذکر می‌شویم اگر نظام شورائی در کارخانه حکمفرما نگردد و طرح ملی شدن صنایع و معادن که بایگانی گردیده به‌فوریت در کارخانه‌ها اجرا نگردد مارکود و از کار افتادن کارخانه‌ها را بدنبال خواهیم داشت.!!؟

فئودالها هنوز بر سر قدرت‌اند

بقیه از صفحه اول

اغلبشان کشاورز می‌باشند. بهرستان گرمسار دارای ۸۱ پارچه آبادی است. از لحاظ بیمارستان واقعاً کمبود فراوان هست. علی‌الخصوص در روستاها که اصلاً از لحاظ بهداشت هیچ اقدامی نشده. در شهر هم یک بیمارستان وجود دارد که متعلق به‌شیر و خورشید است و کفاف همه جمعیت را نمیدهد چون ۲ الی ۳ دکتر بیشتر ندارد که آنها هم متخصص نیستند و از این لحاظ خیلی در مضیقه می‌باشند.

از لحاظ آب نیز بعلت اینکه در این شهر دستگاه تصفیهٔ خوبی وجود ندارد نمیتواند نمک و گچ را از آب جدا کند و همیشه بیماری کلیه یکی از بیماریهای بومی و شایع است. از لحاظ برق و آب لوله‌کشی در روستاها تاکنون اقدامی ننده فقط در چند مورد روستاها صاحب برق شده‌اند ولی از نظر لوله‌کشی و حتی حفر چاه برای مشروب کردن اراضی که زیر کشت بروند، هنوز تصمیمی گرفته نشده است و با توجه به‌مقطع زمانی خاص که احتیاج شدیدی به‌خود کفایی کشاورزی می‌باشد، متأسفانه مسئولین امر تاکنون اقدامی جهت حفر چاههای عمیق نکرده‌اند و طبعاً بیشتر زمینهای قابل کشت بلااستفاده مانده‌اند. آبی که از حبله‌رود به‌این شهرستان و روستاها میآید اولاً کفاف کشاورزی را نمیدهد چون باید بین ۸۱ روستا تقسیم شود و ثانیاً با توجه به‌اینکه بسآب این رودخانه به‌اینجا میرسد به‌اصطلاح ظرفیت اصلی‌اش در بین راه گرفته میشود و چون اینجا منطقهٔ کویری است بیشترش تبخیر میشود و مقداری هم که برای کشاورزی بین کشاورزان تقسیم میشود، کافی نیست مثلاً ممکن است کسی ۲۰ هکتار زمین داشته باشد ولی بعلت کمبود آب فقط دو هکتار زمین را می‌توان کشت کند و از طرفی وضع زندگی این افراد مهیا نیست و دست و بال آنها بسته است.

موقعیت کشاورزان «شابوداغ» گرمسار در رژیم گذشته:

از لحاظ اصلاحات‌ارضی بیشتر روستاهای گرمسار در مرحلهٔ اول که تعدادی مالکان بزرگ بودند و اینها چون در رژیم قبلی نفوذ داشتند یا اصلاحات‌ارضی شامل آنها نشد و یا تعداد کمی شد و بقیه دریدهٔ همان مالکان ماند. خرده مالکان مثل آقای باقری و آقای شکوهی که اکنون نیز هستند و مالکان بزرگ مثل آقای داستانی و آقای کردوانی و آقای اسدی و تعدادی هم خرده مالک هستند که این‌ها طبق مرحله اول اصلاحات‌ارضی قرار شد که این زمینی که به‌اجاره واگذار شده بود در مرحلهٔ دوم نصف شود یعنی نصف واگذار شود به‌کشاورز و نصف دریدهٔ مالک باقی بماند و همینطور اجرا شد ولی قرار بود که بقیه را هم کشاورزها کشت کنند و مال‌الاجاره بپردازند و یا نسبت به‌عرف محل تقسیم کنند ولی بیشتر مالکان و زمینداران بزرگ باقی ماندند و اصلاحات‌ارضی نتوانست راه‌گشای آن باشد که کشاورزان بتوانند به‌زندگی بهتری دست یابند. (سالهای ۴۲ و ۴۳ مرحلهٔ اول و مرحلهٔ دوم ۱۳۵۰ اجرا شد).

دولت حدود ده سال پیش به‌داودآباد رفته و ده کوچکی از آنجا را گرفته و تمام سعی خود را براین گذاشت که بهر وسیله ممکن حتی از جیب خود این ده را آباد و آبیاری کند و بدین‌خاطر طرح برق و لوله‌کشی و آسفالت و خلاصه از این کارها انجام داد تا مگر روستائیان که حاضر نبودند زمینهای خود را به‌شرکت زراعی واگذار نمایند. تشویق شده و زیر بار مالک جدید یعنی شرکت زراعی بروند بهرحال بعضی‌ها گول خورده و زمینهای خود را به‌شرکت زراعی تحویل دادند به‌امید آنکه روستای آنها نیز همانند روستای مذکورآباد گردد ولی بعضی‌ها هم که دست دولت را خوانده بودند حاضر به‌واگذاری زمین‌های خود نشدند و در نتیجه رژیم بازور و قلدری آنها را مجبور ساخت و حتی بعضی از آنها را نیز روانه ساواک ساخت. از این پس شرکت زراعی تمام زمینهای این محل را بجای اینکه گندم بکارد زیر کشت تریاک برد و در اینجا دیگر کشاورزان نبودند که تصمیم می‌گرفتند بلکه شرکت زراعی بود و کشاورز یک کارگر مزدور ساده بود که روزی ۲۰ تومان حقوق میگرفت. در همین کمی حقوق و نداشتن رأی مستقل، کشاورزان مجبور به‌ترک روستا شده و به‌شهرها روی آوردند که در ازای عملگی و کارگر ساده شهری ۳۰ تومان اضافه‌تر از روستا، یعنی ۵۰ تومان مزد بگیرد و بدین ترتیب روستاهای زیادی خالی از سکنه شد، از جمله روستای «سند» که قبلاً ۷۰ الی ۸۰ خانوار داشته و هم‌اکنون به ۲ الی ۳ خانوار رسیده‌اند.

موقعیت و مشکلات کشاورزان بعد از انقلاب:

با شروع انقلاب شرکتهای زراعی که منافع خود را در خطر میدیدند برخلاف مسیر انقلاب رفتار کردند و عده‌ای از کشاورزان را جمع کردند و بآنها چماق داده و گفتند بروید شیشه‌ها را بشکنید ولی دهقانان مؤمن بانقلاب تصمیم گرفتند که با شرکت زراعی مبارزه کنند. این بود که عده‌ای از کشاورزان به‌زمینهای خود رفته و شروع به‌کشت کردند و از طرفی چون قدرت اداری و عملکرد شرکت ضعیف شده بود، کشاورزان بادامه کار خود امیدوار شدند و فعالانه بانقلاب پیوستند.

ولی در اثر سیاستهای گام به‌گام دولت و عدم برخورد قاطع با فئودالیزم باعث شد که سردستهٔ همان چماقداران دوباره در ده پیدا شود. و اینچنین است که شخصی بنام حاج‌حسن علیزاده که زمانی جلوی چماق بدستها گوسفند قربانی کرده، دوباره در ده عرض‌اندام می‌کند و به‌اذیت و آزار روستائیان عزیز میپردازد.

از مشکلاتیکه کشاورزان با آن دست بگریبان بودند مسئلهٔ هیئت پنج نفری بود که بامور کشاورزان رسیدگی می‌کرد. امّا عملکردها و ماهیت افرادیکه این هیئت را تشکیل میدادند باعث اعتراضات مکرر دهقانان گشت زیرا هیچیک از روستائیان که آشنا بمسائل کشاورزی و نیز درد آنها باشد در آن هیئت نبود، اینستکه این هیئت مجبور به‌استعفا شد. از دیگر مشکلات این منطقه، دخالت نابجای سپاه پاسداران و ژاندارمری می‌باشد. بطوریکه خود روستائیان گفتند: حاج‌حسن علیزاده از کشت و کار کشاورزان جلوگیری می‌کند و بعد از رفتن بدادگاه و اینکه رئیس دادگاه حکم میکند که کشاورزان می‌توانند بسر زمینها رفته و کشت کنند و از طرفی چون امام دستور کشت داده بودند فردای آنروز، کشاورزان به‌زمینها رفته و شروع به‌کشت می‌کنند ولی زودتر از آنها مالک تراکتور آورده و تمام زمینها را شخم میزند و یکی از روستائیان جلوی تراکتور می‌خوابد و می‌گوید باید از روی من رد بشوی تا بتوانی زمین را کشت بزنی، مالک از این کار سودی نبرده متوسل به‌ژاندارمری و سپاه میشود که متأسفانه برادران سپاه بروستا آمده و چند تیر هوایی هم رها می‌کنند و به‌کشاورزان می‌گویند بیایید برویم سپاه.

در اینجا باید بگوییم که فئودالها بقدری خونخوار و فقط در فکر منافع خویش هستند که پا از این نیز فراتر نهاده و حتی اقدام به تبدیل مسجد سلمان به طویله گاو و گوسفند کرده و برای تاراندن یکی از کشاورزان محل اقدام به قطع درختان پسته و انار می‌کنند.

یکی از روستائیان در توضیح خیانت فئودالها و ندانم کاریهای مسئولین دولتی می‌گفت، فئودالها شب‌ها دور هم جمع می‌شوند و جلسه دارند، و با برنامه سعی می‌کنند از یک طرف مسئولین امور و رأی آنها را به نفع خود تغییر دهند و از طرفی در میان کشاورزان چند دستگی راه بیاندازند و اهالی ده را به انقلاب و رهبری بی اطمینان سازند. او می‌گفت، ما برای شکممان مبارزه نمی‌کنیم، ما برای غذا نیست که خواست‌های خودمان را مطرح می‌سازیم، ما میخواهیم تا به آخر با این فئودالها و مالکین ضد اسلام که سالها زمین و خانه و زندگی ما را غارت کردند و از ثروت ما برای بچه‌هایشان اتومبیل چند صدهزار تومانی خریدند، و بهترین وسایل زندگی را برای خودشان فراهم کردند، و از خون و رنج و زحمت ما، باده نوشیدند و سر مستی کردند، نابود سازیم. ما می‌میخواهیم به‌امر امام تولید محصول را هر چه بیشتر بالا ببریم و به‌کشاورزی رونق دهیم تا به‌مرز خود کفائی برسیم. ما میدانیم برادران و خواهران ما که در مقابل

بقیه در صفحه ۶

گنج سرمایه‌دار، زائیدهٔ رنج کارگر است

بنام‌خدا

گزارش مهندسین ناظر آلمانی بلوم‌اندفوس در پروژه کشتی‌سازی خلیج‌فارس

مقدمه:

این گزارش از طریق مهندسین ایرانی پروژه کشتی‌سازی خلیج‌فارس که ضمناً مأموریت برای بررسی و افشاگری از طرف شورای انقلابی کشتی‌سازی را داشته‌اند تهیه گردیده.

منظور از تهیه این گزارش بررسی صلاحیت مهندسین ناظر و مزایای بی‌شماری که از طریق مسئولین کشتی‌سازی دانسته و یا ندانسته به‌این افراد داده شده می‌باشد.

احتیاج به‌یادآوری ندارد که مردمی بودن و اجرا و مرغوبیت و اقتصادی بودن هر طرح و پروژه‌ای بستگی مستقیم با صلاحیت تحصیلی و تجربه کاری و ضمناً ایمان و صلاحیت اخلاقی افراد مهندسین ناظر دارد. گزارش زیر نشان دهنده مزایای بیش از حدی است که مدیران طاغوتی رژیم سابق به‌افراد بی‌صلاحیتی بنام مهندسین ناظر پرداخت میکرده و گذشته از میلیونها تومانی که از خزانه بیت‌المال مصرف میگردیده، میلیونها تومان ضرر به‌علت ندانم کاری این افراد به‌اصطلاح مهندس به‌پروژه کشتی‌سازی وارد شده.

گزارش زیر به‌دو قسمت چه دادیم و چه داریم تقسیم میگردد.

قسمت اول: چه دادیم.

قسمت اعظمی از این مبالغ برای مهندسین ناظر به‌صورت زیر پرداخت شده و قسمت کوچکی از آن در آینده نزدیک پرداخت میشود.

۴۳۳۵۵۰۰ مارک	در ۲۸ فوریه ۷۵
۲۸۹۰۰۰۰ مارک	در ۳۱ اگوست ۷۵
۴۳۳۵۰۰۰ مارک	در ۲۸ فوریه ۷۶
۴۳۳۵۰۰۰ مارک	در ۳۱ اگوست ۷۶
۱۴۴۴۰۰۰ مارک	در ۲۸ فوریه ۷۷
۱۴۴۴۰۰۰ مارک	در ۳۱ اگوست ۷۷
۱۴۴۴۰۰۰ مارک	در ۲۸ فوریه ۷۸
۱۴۴۳۰۰۰ مارک	در ۳۱ اگوست ۷۸

۲۸/۸۹۴/۰۰۰ جمع کل

اگر مارک آلمان را در حالت معمولی ۴ تومان حساب کنیم مبلغ ۱۱۵/۵۷۶/۰۰۰ (صدوپانزده میلیون و پانصد و هفتاد و شش‌هزار تومان) به‌مهندسین شریف آلمانی برای نظارت پرداخت شده و قسمت مختصری از آن بزودی پرداخت خواهد شد. این پولها در بانکهای زیر ریخته شده.

بانک آلمان هامبورگ شماره ۱۱۳۵۶۳

بانک درسد هامبورگ شماره ۹۵۰۷۹۶۶

و اما چه مزایای دیگر طبق کنترات به‌غیر از مبالغ ذکر شده به‌مهندسین ناظر آلمانی داده شده.

۱ــ اگر چنانچه کار به‌تأخیر بیافتد پول اضافه پرداخت خواهد شد.

توضیح: (در نتیجه چنانچه مهندسین ناظر با کم‌کاری کار را به‌تأخیر بیاندازند استفاده مستقیم خواهند داشت.)

۲ــ این ارقام تا سال ۱۹۷۵ یعنی سه سال قبل صادق بود و اگر چنانچه قیمت مارک تغییر کند پول پرداختی نیز قابل تغییر است.

۳ــ دادن محل کار (دفتر نظارت) بسیار خوب مبلمان با کولر

۴ــ تلفن ــ تلکس ــ رادیو ــ و تمام وسائل مخابراتی دیگر

۵ــ خانه‌های درجه یک با مبلمان (برای مثال منازل توا با قیمت تمام شده ۹/۷۲۸/۳۴۰ ریال به‌هریک از افراد مهندسین ناظر بطور جداگانه داده شده.)

۶ــ ماشین درجه یک (بلیزر)

۷ــ تمام تسهیلات اداری ویزا و لوازمی که در ایران برای اقامت لازم است.

توضیح: (فرق کشور آلمان با ایران چیست که لوازم دیگری نیز برای زندگی لازم باشد آیا منظور از حق توحش نمی‌باشد؟)

۸ــ دکتر و دارو

۹ــ اگر چنانچه کشتی‌سازی بخواهد کشتی درست بکند مهندس ناظر در ازاء ارسال نقشه برای ساختن کشتی ۲/۲۰۰/۰۰۰ مارک در ۵ سال دریافت خواهد کرد.

۱۰ــ برای هر متخصص آلمانی از حدود ۵۰ تا ۷۲ هزار تومان حقوق.

۱۱ــ پرداخت ماهیانه ۲۰/۰۰۰ هزار تومان اجاره دفتر مهندسین در آلمان

توضیح: (در قرارداد ذکر شده ولی پرداخت این مبلغ هنوز معلوم نگردیده)

۱۲ــ پول رفت‌وآمد با هواپیما درجه یک از هامبورگ به‌بندرعباس و بالعکس برای افراد و تمام فامیل (بیشتر افراد مهندسین ناظر برای سیر و سیاحت فامیل را مجانی به‌ایران آورده ولی پس از اقامت کوتاه به‌آلمان برگردانده‌اند ولی صرفاً بخاطر اینکه صاحب زن و فرزند هستند از مزایائی مثل داشتن منزل سبک توأ با سه اطاق خواب استفاده کرده‌اند)

۱۳ــ پرداخت مأموریت و مرخصی (مهندسین ناظر بخصوص آقای کال و کوپس به‌آلمان و کره و دیگر کشورها به‌دفعات برای مذاکرات معمولی در جوار. آقای حسنی رئیس پروژه رفته‌اند.

قسمت دوم: چه داریم.

اسامی افراد مهندسین ناظر آلمانی با ذکر نام مدرک تحصیلی ــ تجربه کاری

اسم	مدرک تحصیلی	سمت	تجربه‌کاری	ملاحظات (نظر شواهد عینی)
آقای کال	دکتر زمین‌شناس	رئیس مهندسین ناظر کشتی‌سازی	۴ سال	
خانم کال	پستچی	منشی رئیس و مأمور رسیدگی پول مقاطعه‌کار	۸ سال	اجازه کار در ایران نامعلوم و ضمناً با قدرتی که شوهر داشته افراد را به‌دلخواه جابجا میکرد
هورنینگ	کارگر متخصص کشتی‌سازی	متخصص در تعمیر کشتی	۲۲ سال	
فهلر	کارگر متخصص	کنترل لایروبی جاده و باسکول ــ دینامیت	۱۷ سال	ایشان بجای چندین متخصص که در موارد ذکر شده میبایست نظارت میکردند به‌تنهائی نظارت میکرده
کلی‌سینگ	تکنیسین کشتی	انباردار و نقشه‌کش	۲۲ سال	راننده آقای کال و مهمانانی که وارد میشدند
هوند	تکنیسین برق	عکسبردار و نظارت در معدن	۱۵ سال	این شخص دائم‌الخمر بوده و لابراتور شخصی عکاسی در منزل دایر کرده، که عکس‌های پیشرفت پروژه را که ماهرانه تهیه میگردید ظاهر کرده که پول آن را دریافت نماید.
انگل	تکنیسین بتون	نظارت در ساختن اسکله‌ها	۳ سال	فقط در لابراتور بتون مشغول بوده
خانم انگل	تکنیسین بتون			
کازویک	تکنیسین آب‌شناسی	معاون رئیس نظارت	معلوم نیست	به‌علت خراب کردن کار و دائم‌الخمر بودن بوسیله شرکت بلوم‌اندفوس اخراج شده

اشخاص نامبرده بالا یاران جدا نشدنی خانم و آقای کال بوده‌اند که از اول تا به‌امروز (به‌جزء آقای هوند که رفته در خدمت بوده‌اند)

اسامی مهندسین دانشگاه دیده بسیار جوانی که حداکثر شش‌ماه بیشتر نظارت نکرده‌اند.

اسم	مدرک تحصیلی و تخصص	سمت در کشتی سازی	تجربه‌کاری در تخصص ذکرشده	ملاحظات‌نظر شواهد عینی
ویلاند	لیسانس	نظارت در احیاء زمین	۷ سال	فقط در کار مقدار لاروبی که انجام شده نظارت داشته
راس	مهندس سدساز	نظارت در موج شکن‌ها و معدن	۱ سال	مدت زیادی در معدن سنگ به‌جنس سنگ نظارت داشته

تعدادی دانشجوی جوان بعنوان مهندس ناظر در طول تمام تابستانها برای کارآموزی در دفتر مهندسین ناظر کار کرده‌اند که هر یک منزل مسکونی درجه یک با ماشین دریافت نموده‌اند.

ضمناً دو زمین‌شناس ایتالیائی جوان هم بمدت چندماه در این قسمت کار کرده‌اند و چون کارشان مورد رضایت نبوده و نتیجه نگرفته‌اند اخراج شده‌اند.

مطلب قابل‌توجه دیگر اینکه در تمام مدتی که مهندسین ناظر مشغول بکار بوده‌اند تعداد ۳۹ دستگاه منزل مسکونی را که متعلق به‌کشتی‌سازی بوده اشغال نموده یا ماهها خالی گذاشته‌اند که اگر چنانچه مهمانی برسد و یا کسی احیاناً از آلمان وارد بشود بصورت رزرو داشته باشند و بدستور مهندسین ناظر یکی از منازل کشتی‌سازی به‌قیمت یک میلیون تومان بجای واگذاری به‌یکی از افراد کشتی‌سازی بصورت انبار درآمده.

در خلال این مدت تعداد زیادی ماشین بصورت رزرو برای مهندسین نگه داشته شده است.

و هنوز هم پس از انقلاب با وجودی که افراد کشتی‌سازی مسکن ندارند ۹ دستگاه از منازل مسکونی توأ ماهها خالی و کلید آن بدست مهندس ناظر بوده و ضمناً چندین دستگاه اتوموبیل بصورت بلاتکلیف بدست این مهندسین وجود دارد.

ذکر مطالب فوق احتیاج به‌توضیح ندارد و قلب هر انسان وطن‌پرست را بدرد میاورد، و ضمناً هر کس میتواند نتیجه کار این افراد غیرمتخصص را و میلیاردها ضرری که از این طریق به‌این کشور وارد شده پیش‌بینی نماید. که گزارش ضررهای بسیار این افراد به‌پروژه کشتی‌سازی دقیقاً و جداگانه بررسی گردیده. بطور مثال ساختن یک اتوبان ۳۶ کیلومتری غیرضروری به‌معدن ــ جنس سنگ‌ها که بیشتر آهک و گچ است برای ساختن موج‌شکن‌ها جنس بد مواد احیاء زمین در نتیجه غیرقابل استفاده بودن آن برای ساختمان نام برده که رقمی بیش از ۵۰۰ میلیون تومان را شامل میگردد از متصدیان محترم سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران استدعا میشود پس از رسیدگی دقیق به‌این موارد خسارتهای وارده را بر طبق قرارداد از شرکت بلوم‌اند فوس دریافت نماید.

کلیه مدارک از جمله قراردادها فتوکپی مدرک تحصیلی ــ دفتر حضور و غیاب روزانه کار شواهد عینی ضمیمه بوده و نوشته‌های فوق را تصدیق مینماید.

مهندسین ایرانی امور اجرائی کشتی‌سازی
خلیج‌فارس

بقیه از صفحه ۵

فئودالها هنوز

گلوله‌های ضد انقلابیون مقاومت می‌کنند از ما این وظایف را می‌خواهند که هر چه بیشتر با این اربابان و مالکین که نمی‌خواهند انقلاب اسلامی پیروز و موفق شود، مبارزه کنیم و خودمان با دست‌هایمان کشت محصول را رونق بخشیم.

ما میدانیم که امام و رهبر انقلاب ما، خمینی، از ما کشاورزان و مستضعفین حمایت می‌کند، اما متاسفانه بعضی از مسئولین امور، مثل اینکه هنوز از این مالکین می‌ترسند. و آدم دلال صفتی مثل حاج‌حسن علیزاده که سالها دلالی مالکین و ارباب اینجا یعنی سپهبد رحیمی لاریجانی که نوکر نزدیک شاه بود و در کشتار مردم شرکت داشت، است. یک اینچنین آدمی هنوز به‌ما زور می‌گوید و بوسیله همین مسئولین، حق ما را پایمال می‌کند و آنچنان عمل می‌کند که انگار هنوز سپهبد رحیمی لاریجانی و امثال او برسر قدرت‌اند. این برای ما رنج‌آور است، که ما رهبری مانند امام خمینی داشته باشیم و انقلاب ما اینهمه خون داده باشد، ولی هنوز امثال حسن علیزاده نوکر سپهبد رحیمی لاریجانی، خونخوار برما حاکم باشد. ما تا گرفتن تمامی حقوق خود مبارزه خواهیم کرد و دیگر آلت دست اربابان و وابستگان آنها نخواهیم شد.

شوراها نمودی از یک فرهنگ انقلابی

تجدید طلوع وجوه سازنده فرهنگ که برازنده عصر کنونی باشد، مسئله‌ای است که نیاز به‌بازگشائی راه‌حلهای متحول دارد. و یکی از درخشانترین وجه فرهنگ اصیل، نوراهاست که قادر است با تکیه بر جمهوری اسلامی و در بناء استقلال، آزادی تفکر و رهائی شخصیت جامعه ما را تضمین کند.

نوراها با تحقق صادقانه ماده هفتاد و چهار قانون اساسی، میتواند تمامی آنچه را که فرهنگ ضد ملی و ضد مذهبی است به‌کناری گذارد.

یاد بدر طالقانی جاودان باد که با صداقت شخصیت بارور خویش، این پایه مستحکم حکومت اسلامی را از صدر اسلام و از متن قرآن به‌نسلهای بشری با پیامی ماندگار بودیعه سپرده است که ترجمان جلوه‌ای از فرهنگ انقلابی اسلام است و بیاد بیاوریم طرح تشکیل نوراها که حضرت آیت‌اله طالقانی در اوایل سال جاری پیشنهاد کرده و به‌تأکید و تأیید امام رسیده و در چهارده ماده تدوین شده بود. اما شاید به‌بهانه خطر احتمالی توطئه ضد انقلابیون در اجتماعات، از تشکیل نوراها جلوگیری گردید که خود عذری بدتر از گناه است.

نوراها اما اگر با مفهوم واقعی تحقق یابد، میتوان امیدوار بود که ماحصل آنچه که در مجامع رسمی دولتی و مجامع غیر رسمی جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و فرهنگ‌شناسان مسئول و متعهد که در زمینه تحول فرهنگی صورت میگیرد میتواند در متن نوراها صورت عمل و واقعیت بخود گیرد و همچنین چکیده و نتیجه برخورد نظرات و پیشنهادات صاحبنظران این امکان را مییابد تا در بستر مساعد نوراها، مایه تسولات فرهنگی گردد، نظرات و پیشنهاداتی که بصورت سخنرانی در مجامع و یا رادیو تلویزیون و یا بصورت مقالات مطبوعاتی و کتب و یا فرامین مستقیم امام در قلمرو فرهنگ انقلابی انجام میگیرد و چنین است که نوراها در محو ابتذال فرهنگی جوامع مسخ شده در واقعیت و عینیت اثر می‌بخشند.

به‌صراحت میتوان گفت، فرهنگ در ارتباط با وجوه سیاسی و اجتماعی یک جامعه، با تفاوتهای تعیین کننده خود، بخش عظیم و منحصره آنرا در بر میگیرد که در رگ‌وپی بافت ظاهری و ساختمان نهادی جامعه بصورت تقریباً تثبیت شده و مداومی جریان دارد. و از آنجاکه فرهنگ زائیدهٔ روابط افراد و گروههای جامعه و ارتباط جوامع با یکدیگر اما در تداوم زمان است، انقلاب فرهنگی نیز باید که در تداوم زمان صورت گیرد.

در لغت، فرهنگ را، با عباراتی نظیر سطح آگاهی یا سطح تعلیم و تربیت و دانش جامعه که ارزش معنوی جامعه را توجیه کند معنی کرده‌اند.

اما مفهوم وسیع فرهنگ اگر چنانکه باید شناخته و بررسی گردد، میتواند در پایه‌گذاری یک فرهنگ انقلابی بطور مؤثر ما را یاری کند.

بازیافتن مفهوم فرهنگ، مستلزم شناخت پدیده‌ها و نهادهای جامعه است که از ژرفای اعتقادات و آداب‌و رسوم و زبان و هنر و روابط اقتصادی، ناشی میگردد و همانطور که میتوانند بارآور انسانهای بالنده‌ای گردند، همچنان میتوانند در انجماد و رکود استعدادها مؤثر باشند.

عوارض فرهنگ بیمارگونه در لایه‌های پوسیده اعصار ریشه در متن جامعه داشته و دارد که شمه‌ای از آنها از این جمله‌اند:

عادت به‌تسلیم بی‌چون و چرا در برابر قدرتها، که گویای ذهن ناتوان بت‌پرستان و قدرت مطلق بخشیدن به‌فرد بشری و یا به‌جامعه‌ای دیگر و گریز از خویشتن است. و یا که نادیده انگاشتن مقررات شرعی و مدنی و خودخواهی‌های منجر به‌فردگرائی و انزواطلبی در بستر زمینه‌های مساعد آزادیهای ناهنجار، بیگانگی و بی‌تفاوتی به‌مسائل اجتماعی و سیاسی و عمرانی و گرایش به‌اعتیادهای بنیان‌برانداز و عصبیت‌های قومی و تحقیر شاخصهای فرهنگی سایر هموطنان و سایر جوامع بشری.

و تاریخ در گذر زمان شاهدی بر این پدیده‌های نامبارک فرهنگی است. فرهنگی که زاینده گریز از درون جامعه خویشتن و دلبستگی بر معیارهای بیگانه و بناچیز گرفتن پایگاه مردمی و نمایان شدن در قالب و محتوای بیگانه که بیانگر ضعف نفس و از خود گریختن است.

و اما لازمه دگرگونی سازنده فرهنگ، حذف جنبه‌های بازدارنده استعدادها و ارزشها و گزینش رگه‌های اصیل و بالنده ملی و مذهبی است و یافتن چگونگی

رمضان علی مهدیزاده

درود به‌دکتر علی شریعتی، معلم انقلاب

مصاحبه با اهالی مریوان،

بقیه از صفحه ۳

بگیریم، چون می‌دیدیم با وجود اسلحه در دست گروههای دیگر و خلع‌سلاح شدن ما، امکان برخورد درگیری‌های شبیه آنچه که در ۲۳ تیر ماه رخ داد قویاً وجود دارد. بهرحال وقتی ما دستور هیئت حسن‌نیت را دیدیم، مسئله ۲۳ تیر پیدامان آمد که در آنجا عده‌ای از جوانان شهر به‌طرز فجیعی بقتل رسیدند و پادگان که در ۲ کیلومتری شهر بود با آنهمه صدای نارنجک‌انداز و خمپاره و.... هیچ عملی انجام نداد حتی پستگان پاسدارانی که در همان روز در محاصره قرار گرفته بودند به‌پادگان مراجعه کردند و از آنها خواستند که حداقل کاری انجام دهند. امّا پادگان گفت که ما دستور نداریم و هیچ عملی انجام نداد. این مسئله بنظر ما باز هم می‌تواند تکرار شود.

تفاوتها در شهرها

ما حتی در صحبت‌هایمان با آقای صباغیان متذکر شدیم که همهٔ شهرهای کردستان دارای موقعیت مشابهی نیستند. شما دستور داده‌اید ارتش حفاظ دور شهر مریوان را ترک کند، و ما هم که خلع‌سلاح شده‌ایم، در صورت حمله گروههای مهاجم ما همه بقتل خواهیم رسید و چند اسلحه‌ای هم که در دست جوانان ماست در مقابل نیروهای نقشبندیها و جلال طالبانی و بعثی‌ها قدرت مقاومت ندارد. از ایشان خواستیم که در مورد مریوان اینکار را نکنند، چون مریوان تنها شهری است که در آن شورای اسلامی شهر تشکیل شده است و این شورا قصد پاکسازی در شهربانی و ژاندارمری و کنترل امور شهر را داشت که بعلت اینکه هنوز حدود مسئولیتهای آن بتصویب نرسیده بود نمی‌توانست فوراً به‌همهٔ این مسایل بپردازد و با وصف اینکه گروههای چپ انتخابات را در مریوان تحریم کرده بودند، نزدیک به ۸۰ درصداز کسانی که حق رأی داشتند در انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. و.... آقای صباغیان گفتند دستور خواهند داد که پادگان مریوان دور شهر را ترک نکند و حتی بیشتر تقویت شود. اما وقتی که ما بعداً از پادگان پرسیدیم که آیا چنین دستوری به‌آنها داده شده است، در جواب گفتند که چنین دستوری ندادند. مجدداً با آقای صباغیان از طرف شورای شهر تماس گرفته شد و گفتند که «آقای صباغیان مثل اینکه شما دارید به‌ما دروغ می‌گوئید». آقای صباغیان عصبانی شدند و گفتند که «آنطرف که خبری نیست چرا اینقدر شما می‌گوئید ارتش دور شهر باشد» که بعداً نماینده شورا به‌ایشان گفته بود که آقا وقتی ما مردیم آنوقت می‌گوئید «شهادتتان مبارک». ما می‌خواهیم فعلاً کشته نشویم و اوّل کارهائی در این شهر بکنیم و بعداً شهید شویم. حتی آن دوست ما در شورای شهر به‌طور صریح به‌آقای صباغیان گفتند که «آقای صباغیان از قرار معلوم شما فرقی بین چپ‌نماها و سنی‌ها نمی‌گذارید و می‌گوئید از هر طرف کشته شود بنفع ماست. اگر نیت شما این است، این سوءنیت است، نه حسن‌نیت.».

بعد هم عده‌ای از اعضای شورای شهر و معتمدین به‌آنجا رفتند و از فرمانده و پادگان پرسیدند که آیا قادر به‌نگهبانی از شهر هستند یا نه. که ایشان گفت «من اصلاً دستوری ندارم و اگر بعثی‌ها هم بداخل شهر بریزند و قتل‌عام کنند، ما به‌شهر نخواهیم آمد، چون دستوری نداریم. خیالتان راحت باشد و بهرجائی هم که می‌خواهید بروید و بگوئید.» فرمانده ژاندارمری هم به‌همین ترتیب. بنابراین مسلمانها تصمیم گرفتند که یکپارچه از شهر بیرون بیایند و بعد عده‌ای در کرمانشاه و عده‌ای هم در همین مجلس خبرگان اسلحه‌شان را تحویل دادند.

آرایش نیروها در کردستان

س ــ آرایش کلی نیروها را در کل کردستان چگونه می‌بینید؟

ج ــ در کل کردستان آرایش نیروها به‌نفع حزب دمکرات است. با توجه به‌اینکه اعضای آن اکثراً مسلمان هستند و می‌توانم بگویم که حس ناسیونالیستی آنها خیلی قوی است و حقشان را می‌خواهند. در شهرهای مهاباد و بوکان و سقز و پاوه و اورامانات حزب دمکرات دارای پایگاه قوی‌تری است ولی در شهرهای مریوان و سنندج و بانه گروههای دیگر از جمله کومله و اتحادیه جوتیاران فعالند. البته باید بگویم که در سنندج و مریوان گروههای مذهبی بیش از همه پایگاه داشتند و شاید بتوان گفت که ۹۰ درصد مردم طرفدار آنها بودند. امّا پس از تصویب نابرابری مذهبی در مجلس خبرگان و در نظر نگرفتن حقوق ملی، مخصوصاً زبان و فرهنگ، این تعادل به‌نفع گروههای «چپ» بهم خورد.

س ــ بنظر شما راه حل فوری مسئله کردستان چیست؟

ج ــ این چیزی است که یکبار آزمایش شد. آقای دکتر چمران در پاکسازی منطقه خیلی تلاش کردند، و دیدیم که نیروی نظامی آنها در مقابل نیروی نظامی ارتش چیزی نبود ولی کوبیدن و کشتار دردی را دوا نمی‌کند. ما باید اساس کار را در نظر بگیریم. یعنی ببینیم کردها چه می‌خواهند. اگر خواسته‌های این ملت شرعی و اسلامی است و قرآن حقی به‌این ملت داده است. اگر ادعا می‌کنیم که حکومت قرآنی باید پیاده شود. بیائیم و حقی را که قرآن به‌ملتها داده است. به‌آنها بدهیم. یعنی مسئله زبان و فرهنگ و ملیت و مذهب را در چهارچوب قرآنی آن حل کنیم. اگر اختیارات کافی به‌شوراهای اسلامی، آنچنان که قرآن دستور داده است، داده شود، مسئله کردستان حل خواهد شد. و مردمی هم که ناآگاهانه بدنبال بعضی گروهها حرکت می‌کنند، بیدار می‌شوند و آنها پایگاه خود را از دست خواهند داد.

س ــ یعنی معتقدید که از نظر مرحله‌ای در حال حاضر راه حل سیاسی اولویت دارد؟

ج ــ بله راه‌حل سیاسی که مبتنی بر یک برنامه صلح و قراردادی با نیروها باشد قدم اوّل و اساسی است.

س ــ یعنی مشخصاً با چه نیروهائی باید مذاکره کرد؟

ج ــ خواست ما اینست که مذاکره دولت با نیروهای اسلامی و حزب دمکرات باشد. بدلیل اینکه اکثر افراد حزب دمکرات مسلمان هستند. ما با دو تن از نمایندگان مجلس که صحبت می‌کردیم از ما پرسیدند که چرا حزب دمکرات را پیشنهاد کردیم. البته ما می‌گوئیم این مذاکرات باید در چهارچوب قوانین اسلامی و با گروههائی که پیشنهاد کردیم باشد. اما در عین حال معتقدیم که اگر گروههای دیگری هم که توطئه‌گر نباشند مذاکرات با آنها هم بر مبنای قبشر عبادی‌الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه مانعی ندارد ــ اما آن گروههائی که مشخص شده است که توطئه‌گری کردند، اگر با آنها مذاکره شود، ظلمی است. بر مسلمانها ما خواهش کردیم از هیئت مذاکره کننده که با مردم مسلمانی که عضو حزب دمکرات هستند مذاکره کنند و نه الزاماً با رهبران آن. البته شاید معدودی از سران حزب هم معتقد به‌جمهوری اسلامی و اسلام هستند و می‌توان با آنها هم همکاری کرد و از آنان خواست که در مسیر انقلاب گام بردارند ــ منتها این دولت است که باید به‌خواسته‌های مشروع مردم در چهارچوب جمهوری اسلامی و تا آنجا که به‌وحدت امت لطمه نخورد و یکپارچگی مملکت حفظ شود، پاسخ مثبت دهد. این عده‌ای که در مجلس خبرگان متحصن شده‌اند بقدری حسن‌نیت دارند که معتقدند اگر برآوردن خواستهای ما به‌یکپارچگی مملکتمان لطمه بزند ما از آن خواسته‌ها صرف‌نظر می‌کنیم. ما نمی‌خواهیم یکپارچگی مملکت دچار تزلزل بشود...

ارزیابی هیئت حسن‌نیت

س ــ کار هیئت حسن‌نیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج ــ از نظر ما، هیئت حسن‌نیت با دستورهائی که مبنی بر عقب‌نشینی ارتش از پیرامون شهر دادند، و اینکه تمام مناطق کردستان را با یک دید نگریست. با این وضع نقش این هیئت در همه مناطق کردستان سازنده نبود. مثلاً موقعیت مهاباد با مریوان بسیار متفاوت است. در مهاباد اکثر مردم طرفدار حزب دمکرات هستند البته با توجه به‌آنچه قبلاً دربارهٔ حزب گفته شد. اما در مریوان مسئله متفاوت است. عده‌ای خواستهای نامشروعی دارند که اگر برآورده شود، لطمهٔ بزرگی به‌انقلاب خواهد زد. دستهٔ دیگری از مردم خواستهائی در مسیر انقلاب و در مسیر تحکیم هر چه بیشتر امت دارند. بنابراین کار آنها در مهاباد و بوکان و شاید بانه نسبتاً خوب بود اما در سنندج و مریوان بضرر گروههای اسلامی تمام شد. بطوری که می‌دانید در حال حاضر تا کرمانشاه مرزی وجود ندارد و شهربانی و ژاندارمری هم که فعالیتی ندارند و نیروهای چپ و افراد جلال طالبانی و افراد ضد انقلاب هم بطور دائم با سلاحهای مختلف وارد شهر (مریوان) می‌شوند و با وجود اینکه ما اگر می‌خواستیم مقاومت کنیم، می‌توانستیم از ورودشان به‌شهر حداقل برای مدتی جلوگیری کنیم. امّا علت اینکه شهر را ترک کردیم و مقاومت نکردیم اینست که مردمی که فریب این نیروها را بدلیل کارهای مختلفی که آنها در روستاها از جهت درمانی و عمرانی کرده‌اند، خورده‌اند مسلمان هستند و ما هم که مجبور هستیم بر علیه آنها مقاومت کنیم مسلمان هستیم و اگر ما و این مردم رو در روی هم قرار بگیریم از طرفین مسلمانها کشته می‌شوند و آنها که این‌ها را تحریک کرده‌اند خودشان تماشاچی هستند و از هر طرف که کشته شود بنفع آنهاست. بنابراین ما برای این که از درگیری جلوگیری شود و مسلمانها کشته نشوند شهر را ترک کردیم. ما قدرت مقاومت داشتیم ولی به‌نیرنگ آنها پی‌برده بودیم و نمی‌خواستیم که زن و بچه مردم را بکشیم، و مسلمانها را نابود کنیم. و نمونه‌اش هم مقاومت ۱۷ نفر پاسدار بومی بود که در ۲۳ تیرماه در مقابل ۷۰۰ نفر مسلح ۴ ساعت مقاومت کردند و ۹ نفر از آنها که دانشجو، کارگر و آموزگار و راننده و کارگر شهرداری و .... بودند شهید شدند. شهادت آنها نشان داد که ما همیشه قادر به‌مقاومت هستیم اما در مقابل چه نیروئی؟ آیا آن نیرو واقعاً برضد اسلام و ایران است؟ آیا واقعاً فریب نخورده است؟ ما دیدیم که در همین جریان اخیر که ما شهر را ترک کردیم، تمام کسانی که مسلح بودند، مسلمانانی بودند که زمینه اغفال آنها از مدتها قبل با دادن پزشک و داروی مجانی، حمل و نقل مجانی و کمک‌های کشاورزی فراهم شده بود. و درصورت درگیری از هر طرف که کشته می‌شد بنفع آن گروهها و ضدانقلاب بود. بنابراین ما تصمیم گرفتیم که بعنوان اعتراض و تعیین تکلیف، یکپارچه شهر را ترک کنیم و در مجلس خبرگان متحصن شویم.

هجرت

امروزه ۱۴۰۰ سال از آن روز تاریخی و سرنوشت‌ساز اسلام ــ هجرت محمّد بمدینه میگذرد، هجرتی که نه یک واقعه ساده و تاریخی در زندگی پیامبر و سرنوشت امّت، که یک اصل اساسی و بزرگ اجتماعی در سرنوشت همیشگی اسلام و مسلمین است.

پیامبر که ۱۳ سال در زیر شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی و با دادن قربانیان فراوان به‌تبلیغ آنکار و نهان اسلام می‌پرداخت اکنون در زیرفشار و اختناق وحشیانه قریش و تحریم اقتصادی آنان روزگار سختی را می‌گذراند، اما لحظه‌ای از فکر یاران و پیروان صمیمی خود غافل نیست. مدتها فکر مهاجرت ذهنش را مشغول داشته است. اکنون که مسلمین یثرب بمکه آمده‌اند مخفیانه در بیابانهای مکه با آنان بیعت‌النساء می‌بندد. با اوج فشار و شکنجه و تحریم اقتصادی سال بعد با پیروان یثربی خود بدور از چشم جاسوسان قریش و مخفیانه باز در بیابانهای مکه پیمان می‌بندد اما این‌بار بیعت‌الحرب، یعنی هندار و زنگ خطری در گوش مسلمین که در آینده نزدیک آماده پیکار باشند. محمّد که با این پیمان توانسته است موقعیت خود را در مدینه استحکام بخشد و خود در حالیکه از قبل مسلمین را گروه‌گروه و مخفیانه از مکه خارج ساخته با ابوبکر مکه را ترک میکند و علی این قهرمان ۲۲ ساله توحید و این مرد پیکار و مبارزجوی ایمان و عقیده را برای فریب دشمن در بستر خود می‌خواباند.

تجمع تدریجی مسلمین و پیوستن پیامبر بدانها، شکوه و جلال خاصی بمدینه می‌بخشد، اولین مسجد در قبا و بعد در مدینه ساخته میشود. و پیامبر که اکنون خود قدرتی در مدینه بحساب می‌آید اولین قانون‌اساسی خود را اعلام میدارد و بدینگونه با وحدت بخشیدن بقبایل اسلامی، برابری و برادری را در جامعه کوچک مدینه برقرار می‌سازد.

پیامبر بزرگ، امتش را با این هجرت بسوی سرزمینی میکشاند تا با قدرت بخشیدن بدان، مسلمین را از انزوا و زجر و شکنجه و تهدید و ارعاب بدر آورد و قدرت و ایمان و عظمتشان بخشد و تشکل و انسجام ارزانیشان دارد. و در کشاکش روزگار در میدان تجربه و از خودگذشتگی و ایثار بیازمایدشان و ایمان آورده‌های مومن به‌مکتب و انقلاب و الله را از منافقین ریاکار باز شناسد و نیروهای اصیل اسلامی را از پس مانده و تفاله‌های نفاق‌آمیز منافقین بدرآورد و امت اسلامی را تحولی دگر و قدرتی دیگر ببخشد، تا با قدرت ایمان و شمشیر بر سر مستبدین و جاهلین که جز قدرتهای کاذب و قلدران قریش چیزی نبودند بتازد و موانع پلید کفر و نفاق را از سر راه تکامل توحیدی جامعه و انسان بردارد و با اعتلای کلمه حق، دین را برای خدا و بخاطر خلق بیادارد.

به‌هجرتشان میکشاند تا با گسستن از پیوندهای عاطفی و سنت‌های دست و پاگیر اجتماعی و نزدیک‌بینی سیاسی و ضعف و زبونی روانی از زیر آوار ظلم و ستم اجتماعی و فرهنگی رهائیشان بخشد و در محیطی مساعد و آزاد و بدور از تمام شکنجه‌ها و اذیت‌ها، ایمان و آزادی و آزادگی و شرافت انسانیشان بخشد تا به‌اشاعه‌فکر و گسترش ایمان و عقیده خود پردازند و با کسب امکانات تازه در میدان مبارزه علیه محیط سیاسی و اجتماعی ظالمانه مکه، آنرا از بیرون مورد تهاجم قرار دهند و ریشه‌های اختناق و کفر را برچینند و فضای توحیدی کعبه را از لوث وجود لات، منات و عزا و... پاک سازند.

مقایسه‌ای هر چند سطحی و گذرا از موقعیت محمّد در مکه و مدینه بازگوکننده واقعیت و حقیقت بزرگی است که در مفهوم انسان‌ساز و جامعه‌ساز هجرت نهفته است. محمّد که ۱۳ سال در زیر شکنجه و ضرب و شتم و تبعید و توهین و تحریم اقتصادی و سانسور شدید عقاید و افکار از سوی قلدران و سرمایه‌داران قریش بسر برده بود، امروزه در مدینه بعد از اندک مدتی قوی و پرقدرت و با نیروی سیاسی ــ نظامی منسجم و با عظمت در ایمان و عقیده و جهاد می‌بینیم، او را که در مکه همیشه در موضع دفاع و عمدتاً ضعف قرار داشته، اکنون در موضع قدرت و تهاجم می‌یابیم که ما نزول آیه «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا...» دوران صبر پرآزار و تحمل سختی‌ها را بپایان رسانده و جهاد مسلحانه را در صدر برنامه‌های خود قرار میدهد و تهاجم بکاروانهای قریش و سرمایه‌داران مکه را آغاز می‌نماید. و بدینگونه جنگ‌های ظفرنمون محمّد آغاز میشود و او را می‌بینیم که پیروز و سربلند در بدر واحد و خندق و..... بیرون می‌جهد و هنوز مدتی از هجرتش نگذشته که پیروزمندانه مکه را بدون مقاومت چشمگیر می‌گشاید و ابراهیم‌وار با علی در دوش لات و هبل و منات و عزا و.... را برمی‌اندازد و صفای توحیدی را به‌کعبه ابراهیم بزرگ باز می‌گرداند.

امروزه ۱۴۰۰ سال از این روز پرعظمت و از این انتخاب اصلح محمّدی میگذرد و ما درست در زمانی شاهد این عظمت و بزرگی هستیم که خلق مبارز و ستوه ما که با کوله‌باری از سالیان دراز مبارزه و با تلاش‌های پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر رهروانش و معلمان بزرگش چون شریعتی بزرگ و طالقانی کبیر از «مکه» پراختناق و رعب‌انگیزش به «مدینه» اش هجرت گزیده و به‌خویشتن اصلی خویش بازگشته و شخصیت اصیل اسلامی را در آغوش کشیده و دوباره بخود آمده و خود را باز شناخته و به‌گوهر بربهای مذهبی و ملّی‌اش پی‌برده و در پشت امام ــ خمینی کبیر، پیامبر گونه زمان، این انسان بازگشته از تبعید هجرت گونه‌اش، پیروز و سربلند «مکه» را می‌گشاید و نسیم توحیدی را در دلهای این امت مبارز و پیکارجوی می‌دمد، و پوزه تمام قلدران و قداره‌بندان را بخاک مالیده و شاه‌خائن این ابوجهل دوزان را فراری داد و اکنون با غرور و افتخار و با تکیه بر فرهنگ انقلابی اسلام در معیت امام، ابوذروار بقیافه کریه و درهم رفته شیطان بزرگ و امریکای جهانخوار پوزخند تمسخر می‌زند و می‌رود که با پاره کردن زنجیرهای اسارت و برانداختن لات و منات و عزای سیاسی اقتصادی و فرهنگی، استقلال و آزادگی را به‌سرزمین خود بازگرداند، این همه عظمت و بزرگی مسلمین را گرامی باد.

حل انقلابی

بقیه از صفحه ۲

امپریالیست داریم، این بمعنای روی آوردن به‌نوع تازه‌ای از وابستگی نیست، اما بدیهی است نیروی اصلی ما در داخل است نیروی اصلی ما ملت و ایمان ملت ماست و اتکاء ما به‌خداست امّا هرگز این مفاهیم و معانی حقایق و ضرورتهای فوق را منتفی نمی‌کند که ما در کار پیامبر گرامی خویش هم چنین معنایی ندیدیم.

قانون اساسی

۵ ــ کار تصویب قانون اساسی بپایان رسید در حالیکه غالب صاحبنظران آنرا خالی از ضعف و نقص نمی‌بینند. قانون اساسی جهت‌گیری انقلاب ما را نشان می‌دهد و قانون اساسی نقش نظام آینده و سرنوشت ملت و انقلاب را تعیین می‌کند، در جریان تصویب مواد قانون بسیاری نظریات و پیشنهادات اصولی و اساسی نمایندگان مجلس خبرگان و صاحبنظران خارج از مجلس نادیده گرفته و طرح نشد، چند مسأله گرهی و بنیادی با ابهام و یا با ضعف‌های جدی و نارسائی‌های چند باقی ماند از آنجمله مسأله حاکمیت مردم و نظام شورائی و اصول اقتصادی اگر در مقدمه قانون اساسی نیامده بود که این قانون مستقیماً بر بنیان نهادهای اسلامی استوار است.

با این دشواری و قضاء روبرو نبودیم که از نظر بسیاری اشخاص که در مسائل اسلامی و فقهی صاحب‌نظرند مواد متعددی از قانون، نهادهای صریح اسلامی سازگاری ندارند، قانون مزبور آینده رهبری انقلاب و کشور را در وضع بسیار دشواری قرار داد و بروز خطرهای جدی را محتمل ساخته است یکی از آنها به‌خطر افتادن موقعیت و اعتبار روحانیت در میان مردم و در جامعه است، یکی بخطر افتادن اعتبار اسلام و ایدئولوژی اسلامی است، یکی خطری است که وحدت ملت را تهدید می‌کند زیرا سهل‌انگاری که در مسأله شوراها و حق حاکمیت مردم و اقوام شده است، حفظ یکپارچگی و وحدت ملت بطور طبیعی و اسلامی دشوار است، یکی خطری است که از جانب نظام سرمایه‌داری جامعه اسلامی را تهدید می‌کند. قانون علیرغم صراحت اصول اقتصادی اسلام، جلوی ظهور و رشد سرمایه‌داری و استثمار و انباشته شدن ثروت را نمی‌گیرد و راه‌حل روشنی برای نفی طبقات استثمارگر ارائه نمی‌دهد و خود بخود توده‌های عظیم دهقانان و کارگران را در برابر موقعیت دشوار و متزلزلی باقی گذاشته دهقانان چشم‌انتظارند که در قانون اساسی با صراحت رابطه دهقان و زمین تعیین شود و کارگران در انتظار قضاوت قانون اساسی در مسأله کار و سرمایه‌اند، و اکنون این دو انتظار نادیده گرفته شده است.

راههای مؤثری برای نظارت مردم بر کار رهبری و خلع‌ید و قدرت در صورت مشاهده انحراف پیش‌بینی نشده و لذا مسأله اصلی تضاد قدرت دولت و رهبری با آرای حق حاکمیت مردم حل نشده باقی مانده است. اینها نکاتی است که اهمیت قانون اساسی را در سرنوشت انقلاب و حتی مبارزه ضد امپریالیستی نشان می‌دهد، نمایندگان مجلس خبرگان، بیشتر از یک موضع خاص به‌قانون و انقلاب نگاه کرده‌اند، در حالیکه باید به‌این حقیقت توجه می‌کردند که پیشنهادات و نظریات دیگری هم بود و هست که مبنی بر اصول و مبانی اسلامی در قرآن و سنت است به‌اضافه تمایلات و آگاهیهای جامعه را فقط در مقطع زمان فعلی ملاک قرار دادند در حالیکه جامعه و مردم و آگاهیها و تمایلات را باید در حال تغییر نگریست، و از اصول ثابت الهی، راه‌حلها و قوانین برای واقعیتهای درحال تغییر و رشد جامعه استخراج کرد، تصویب سریع قانون اساسی فقط یک قدم برای تثبیت اوضاع است اما اقدامات و پیش‌بینی‌های بیشتری برای تداوم انقلاب و حفظ آن ضروری می‌باشد.

هر انتقادی بر قانون اساسی را نباید بحساب کسانی گذاشت که اسلام را نمی‌خواهند و یا با اصول اساسی آن مخالفت دارند، خود بهتر می‌دانستند که بین فقها هم در تبیین و تعریف

بقیه در صفحه ۸

پوزش

در اُمت شماره ۳۱، چهارشنبه ۲۳ / آبان / ۵۸، مقاله «توطئه‌های اربابان و ارتجاع علیه کشاورزان مازندران» در اسامی فئودالها بجای نام غلامعلی اولادی، از آقای دکتر اولادی اسم برده شده است، که از ایشان پوزش می‌طلبد.

ابوذر ورداسبی

این اسلحه‌های امپریالیسم آمریکاست که بسوی خلقهای مستضعف نشانه رفته

پیرامون مجلس خبرگان و

بقیه از صفحه ٤

از تدریس و سخنرانی خودداری میکند. او که بمناسبت آخرین نشست مجلس خبرگان در روز پنجشنبه، مجبور به‌شکستن سکوت خود شده بود، در یک کنفرانس مطبوعاتی اشکالات و نقائص اصول مصوبه را تشریح نمود.

دکتر توانایان‌فرد که مطالعات عمیقی در زمینه اقتصاد و اقتصاد اسلامی دارد، ضمن رد کردن نظام سه بخشی مصوب، آنرا غیراسلامی دانست و بجای آن اصل خدا مالکی ابزار تولید را پیشنهاد کرد. در پایان این جلسه، قطعنامه‌ای به‌تأئید حاضرین رسید که خلاصه آنرا در ذیل میآوریم:

۱ ــ اصل خدا مالکی ابزار تولید که مالکیت زمین و سایر وسایل تولید را از بخش خصوصی خارج میکند و در اختیار شورای فقهائی قرار میدهد که در کلیه رشته‌های علوم تجربی دارای مشاور میباشند. (ولایت فقیه)، بجای مالکیت سه بخشی مصوب (دولتی ــ تعاونی ــ خصوصی) آورده شود.

۲ ــ از آنجا که صنایع مونتاژ ابزار استثمار جدید امپریالیسم میباشد، اصلی مورد تصویب قرار گیرد که بر اساس آن ابقاء و گسترش صنایع مونتاژ در جامعه ممنوع گردد.

۳ ــ از آنجا که در اصل ۶۷/۱ دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات اقتصادی به بیگانگان فقط در بخش دولتی ممنوع شده است پیشنهاد میشود که این ممنوعیت را شامل کلیه بخش‌های اقتصادی نمائید.

۴ ــ در اصل ۱۲۷/۳ تلویحاً اعتصاب کارگران ممنوع اعلام شده است؛ چنانچه هدف از این اصل چیزی غیر از آین است، در ذیل این اصل اضافه شود که مقصود منع اعتصاب نیست و پیشنهاد میگردد که اصلی مستقل به تجویز اعتصاب کارگرانی که احیاناً مورد استثمار قرار میگیرند مورد تصویب قرار دهید تا حکومتهای آینده مانند بسیاری از حکومتهای موجود جهان اعتصاب کارگران را قانوناً منع نکنند. بعلاوه کلمه «کسب» کلاً در این اصل حذف شود زیرا استثمار آفرین است.

لازم بتذکر است که این اصل میگوید: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمیتواند بعنوان مالکیت نسبت به‌کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.» در پیش‌نویس قانون اساسی کلمه سعی بجای «کسب» آمده بود که معلوم نیست بچه دلیل مجلس خبرگان آنرا تغییر داده است در ضمن قسمت دوم این اصل ممکن است بعداً مورد سوءاستفاده قرار گیرد و کسانی جلوی اعتصاب کارگران را بدلیل اینکه منجر به سلب امکان کار از دیگران میشود بگیرد. مثلاً اعتصاب کارگران قسمت بدنه پیکان در کارخانه، منجر به‌سلب امکان کار از کارگران قسمت رنگ‌آمیزی خواهد شد...!! این اصل باید روشن‌تر باشد و بهتر اینکه این جمله بدان اضافه شود: مقصود از این اصل منع اعتصاب نیست.

قطعنامه در پیشنهادهای دیگری بترتیب زیر ادامه مییابد:

۵ ــ از آنجا که مباحث بیشماری پیرامون تفاوت بین ربا و بهره وجود دارد در اصل مربوط به تحریم ربا، کلمه «بهره بانکی و غیر بانکی» نیز آورده شود تا مورد سوءاستفاده در آینده قرار نگیرد. بعلاوه ربا تنها به‌بهره ختم نمیشود، بلکه بورس اوراق بهادار و ربای جنسی مانند خرید و فروش زمین و آهن و غیره به‌قیمتی بیشتر از آنچه خریداری شده و بیشتر از آنچه بر روی آن کار شده میباشد به‌تحریم بورس و سایر معاملات ربوی نیز اشاره شود.

۶ ــ در اصل ۱۲۷/۴ در قسمت تعاونیها بجای تعاونی توزیع، تعاونی مصرف آورده شود، تا سبب از بین رفتن واسطه‌های غیر ضروری گردد. باید توجه داشت که تعاونیهای توزیع بیشتر از آنچه که به‌نفع مصرف کننده، کار کند، بنفع دلالان و واسطه‌ها و خلاصه توزیع کنندگان خواهد بود. در این اصل بجای پست‌وتلگراف و غیره وسایل ارتباطی آورده شود. و واحدهای بزرگ کشاورزی نیز جزء بخش عمومی آورده شود.

۷ ــ انگیزه فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی و تعاونی قید شود که آیا سود است یا چیز دیگر.

میدانیم که انگیزه و نیز هدف فعالیت‌های اقتصادی در اسلام رسیدن به «قسط» و «عدل» است. این اصل و بطور کلی تمام اصول اقتصادی قانون اساسی، با نام نبردن از «قسط» بعنوان هدف فعالیت‌های اقتصادی انگیزه سود شخصی (که حدی ندارد) را در فعالیتهای اقتصادی تأئید کرده است.

۸ ــ در مورد سیستم مالیاتی، مالیاتهای اسلامی مانند زکات و غیره در قانون تصریح شود و به‌گونه‌ای اصل تدوین گردد که مالیاتهای شرعی و دولتی در یکدیگر ادغام گردد.

۹ ــ در اصل ۱۲۷/۱ تاکید شود که مسئول تامین نیازهای اساسی دولت است.

۱۰ ــ در اصل ۱۲۷/۱ که در مورد «انفال» است آب و مرتع بطور مطلق جزء انفال ذکر شود نه آبهای عمومی و مراتعی که حریم نیست.

در بخش‌های دیگر این قطعنامه به‌نقایص اساسی که در اصول اقتصادی قانون اساسی تصویب شده است، برخورد شده. آنچه مسلم است تا بار دیگر تغییر اساسی در اصولی که تصویب شده است انجام نگیرد، اصول اقتصادی تصویب شده نمی‌تواند در جهت نفی استثمار در جامعه و از بین بردن شکاف طبقاتی موفق شود. ما بارها در مقالات و پیشنهادات چهارجوب قانون اساسی را که می‌تواندجامعه را در راستای جامعه بی‌طبقه توحیدی قرار دهد بیان کردیم، اما متاسفانه آنچه که برداشت شد، وحشت نمایندگان مجلس خبرگان از کلمه «توحید» بود که برداشت‌ها و اصول مصوبه قانون اساسی را به‌اینجا کشانید. اما بار دیگر باید یادآور شد که قانون اساسی باید بیانگر محتوای انقلاب و ویژگیهای مشخص آن یعنی روح و خواست ضد استبدادی، ضد استعماری و ضد استثماری باشد، و محتوائی را به‌جامعه ارائه دهد که چراغ راه مبارزه ضد امپریالیستی و محو و نابودی سلطه همه جانبه آن در جامعه گردد، و نه باز کننده روزنه‌هائی که بازآور این نیروی ضدانقلابی و ضد مردمی، در جهت رشد دوباره سرمایه‌داری وابسته و سرمایه‌داران مزدور و استثمارگر باشد.

استقبال جنبش مسلمانان مبارز از تصمیم امام خمینی مبنی بر دادن خود مختاری داخلی به اقوام و ملیت ها

سرانجام امام خمینی رهبر دردمند ملت ایران تصمیم بزرگ، برای دادن خودمختاری در امور داخلی به مردم کردستان را اتخاذ کردند و با این اقدام تاریخی به ده ماه آشوب و خونریزی و برادرکشی و ظلم و ستم و کینه و ستیز پایان دادند و خلق کرد را به آغوش امت بزرگ اسلامی باز گرداندند. کاری را که ظرف ده ماه گذشته مسئولین امور ازانجام آن عاجز ماندند.

ما بارها گفتیم و نوشتیم که بدیرفتن حق اداره امور داخلی برای همه اقوام و ملیتها یک سنت اسلامی است. و اگر ارگانهای رهبری در دولت و شورا در دادن این حق تعلل ورزیدند و به ضد انقلاب و مزدوران امپریالیسم و فرصت‌طلبان اجازه دادند تا به غلط پرچمدار احقاق حق مردم کرد بشوند، از ضعف و نارسائی آنها بود. شیوه‌هائی که بجای برخورد اسلامی در مورد خواست برحق برادران کرد اتخاذ شد، بیوند آنها و بقیه امت را ضعیف ساخت و کردستان را قتلگاه فرزندان دلاور کرد و پاسداران جان برکف و سربازان و افسران و بسیاری از زنان وکودکان ساخت.

اکنون امام امت ماست که همانند همیشه با اتکاء به ضمیر پاک و انسانی وخصلت‌های انقلابی و سعه صدر اسلامی و قاطعیت یک رهبر ــ تصمیم می‌گیرد و بن‌بست‌ها را می‌گشاید.

تصمیم تاریخی رهبر انقلاب نه‌فقط به کشتار در کردستان پایان داد و نه‌فقط حق خدادادی آنها را به آنان بازگرداند، بلکه ملت را در برابر امپریالیسم خونخوار جهانی متحد و یکپارچه ساخت.

ما این تصمیم تاریخی رهبر بزرگ انقلاب را به ایشان و به ملت قهرمان و به‌برادران رشید کرد و به همه اقوام و خلقهای دیگر ایران تهنیت می‌گوئیم و این فرصت را برای تکیه مجدد بر ضرورت وحدت در مبارزه علیه بزرگترین قدرت استعماری تاریخ یعنی امریکا مغتنم میشماریم.

درود بر امام خمینی رهبر توده‌های مستضعف

جنبش مسلمان مبارز

۲۷/آبان/۱۳۵۸

موج خشم علیه اشغالگران صهیونیستی

خبرگزاری وفا از فلسطین اشغالی گزارش داد که خلق فلسطین در سرزمینهای اشغالی برای دومین روز متوالی علیه سیاست رژیم دشمن صهیونیستی و دستگیری برادر «بسام‌الشکعه» شهردار شهر نابلس دست به‌اعتصاب زدند و در خیابانهای شهرهای فلسطین اشغالی تظاهرات گسترده‌ای را تدارک دیدند.

همچنین خبرگزاری رویتر گزارش داد که زنان فلسطینی در مقابل مقر شهرداری نابلس دست به‌تظاهرات زده و علیه اقدام دشمن، شعارهای گوناگون میدادند و سرودهای انقلابی فلسطینی می‌خواندند. در این بین خبرگزاری وفا گزارش میدهد که بار دیگر رژیم صهیونیستی برادر «بسام‌الشکعه» رئیس شهرداری نابلس را دستگیر کرده تا وی را از میهن خود تبعید کند و سرزمین اشغالی را از رهبران ملی محلی خالی گرداند، تا توطئه خود مختاری که در چهار چوب قراردادهای تسلیم طلبانه «کمپ‌دیوید» گنجانده شده، پیاده کند.

خبرها حاکی است که اعتصابات عمومی، شهرهای کرانه غربی اشغالی را فرا گرفته و تظاهرات بطور وسیعتر در شهرهای نابلس «جنین»، طولکرم، رام‌الله، البیره و بیرزیت بوقوع پیوسته است.

همگام با این اعتراضات، مؤسسات ملّی و سندیکاهای کارگری و انجمن‌های شهر و روستا، بیانیه‌هائی صادر کرده و خشم و نفرت خود را علیه سیاستهای دشمن صهیونیستی اعلام داشتند.

بطور دلخواه بشود و آرامش و امن که از بزرگترین نعمتهای الهی است در منطقه برقرار گردد و شما برادران کرد در کنار سایر برادران بطور رفاه و آسایش زندگی نموده وطمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شود.

۵ ــ اسلام بزرگ تمام تبعیضها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد باسلام تنها کرامت انسانها است و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد بتامین آن در اسرع وقت میباشد ومقررات وقوانین مربوط به آن بزودی انشاالله تعالی تدوین میشود.

۶ ــ اخیرا باز نظر شریف علماء اعلام و مشایخ عظام و روشنفکران وسایر برادران عزیز در سراسر ایران را بموضع حساس امروز ایران وجبهه‌گیریهای دشمنان میهن و اسلام و در مقابل ملت عزیز و تشبثات همه‌جانبه آنان برای سرکوبی نهضت اسلامی و ملت معظم و برای اعاده سلطه همه‌جانبه بر کشور اسلامی ما جلب میکنیم آیا در این موقع تقاضای متواضعانه‌ای این خدمتگزار که روزهای آخر عمرش را میگذراند بجا نیست.

خواهران و برادران هم‌میهن در سراسر کشور من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما بخاطر خدا و اسلام وکشور عاجزانه میخواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار برید واسلحه‌های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه‌گیری بروی یکدیگرمنحرف وبسوی دشمن‌های انسانیت که در راس آن امریکا است نشانه روید باراللهی من ماموریت خود را که نصیحت به ملت است بقدر توان ضعیف خود انجام دادم و تو ای خدای بزرگ با قدرت لایزال خود قلوب ما را پیوند برادرانه عطا نما "انک‌غریب‌مجیب"

سلام گرم من بملت عزیز و برادران کردو رحمت خداوند بر همه.

روح‌الله الموسوی الخمینی

۲۶ آبان ۵۸ ــ ۲۶ ــ ذی‌الحجه ۹۹

بقیه از صفحه ۱

پیام امام خمینی

برادران من امروز هر اختلافی بنفع آمریکا و دیگر اجانب است آنان هستند که از اختلاف ما بهره‌گیری میکنند و ما را میخواهند باسارت بکشند بپا خیزید و توطئه‌گران را نصیحت کنید و در صورت عدم قبول از خود برانید وازمناطق خود بیرون کنید یا آنانرا گرفته تسلیم مقامات دولتی کنید.

۲ ــ اینجانب و همه ملت از ستمهائیکه بشما برادران کرد در طول حکومت استبدادی شده است و از تبعیض‌هائیکه بر خلاف اسلام بر شما روا داشته‌اند مطلع هستم لکن باید بدانید که این شما برادران نبودید که مورد ستم و ظلم واقع شدید سایر برادران ترک و لر و عرب و بلوچ و فارس و ترکمن هم با شماها شریک‌بوده‌اند و همه محروم بودند از آنچه شما محروم بودید شما اگر براغه‌نشینان و گودنشینان تهران توجه نمائید خواهید دید آنان از همه محروم‌ترند اینجانب میدانم که در حکومت موقت هم آنطور که خواست شما و ملت است رسیدگی نشده لکن باید بدانید باز در این امر همه برادران شما شریک میباشید و دولت موقت با کمال جدیت اشتغال بکار و سامان دادن بود لکن آشفتگیها بقدری زیاد است که اصلاح محتاج به زمان است و من امیدوارم که برای همه ملت و برای شما برادران کرد وسائل رفاه حاصل شود.

۳ ــ شما برادران میدانید که نوسازی و عمران در محیطی که آشفته است ومردم در امان نیستند مشکل یا غیرممکن است شما برادران غرب کوشش کنید و آرامش را حفظ کنید و بدانید که با آرامش کارها اصلاح میشود و بصلاح شما و بصلاح اسلام و مسلمین است.

۴ ــ ازهیات ویژه میخواهم که بمذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا تامین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست

هفته نامه امت شماره ۳۲

چهارشنبه ۳۰ آبان

۱۳۵۸ سال اوّل

زیر نظر:

شورای نویسندگان امت

خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو

۸۲۴۹۸۴ ــ ۸۲۴۸۳۱

چاپ شرکت «قست» سهامی عام»

بقیه از صفحه ۷

حل انقلابی مسائل داخلی

بسیاری اصول اساسی اختلاف است مثلاً همه از ولایت فقیه یک معنا و برداشت ندارند. چنانکه یکی از روحانیون نماینده در مجلس خبرگان گفت طرز اداره جلسات به‌گونه‌ای نبود که اجازه طرح آراء همه نظریات داده شود و هر مسأله از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد، بهر تقدیر هم‌اکنون روحانیون در درجه اول مسئولیتی سخت در برابر تاریخ و اسلام و روحانیت شیعه دارند که امیدواریم بخوبی از عهده انجام آن برآیند.

۶ ــ و سرانجام موجباتی که سبب تغییر دولت شد همچنان بقوت خود باقی است، ترکیب شورا و دولت در اصل تفاوت نکرده، اگر از تغییر حاصله در سیاست خارجی بگذریم، انتظار مردم هنوز برآورده نشده، و شورا طرحی برای مبارزه ضد امپریالیستی ارائه نداده، پیشنهادات و طرحهای ارائه شده علیرغم حساسیت موقع و ضرورت تصمیم‌گیری سریع و قاطع، مورد توجه واقع نشده‌اند، موقع آنستکه باسعه صدر و وسعت دید کافی لااقل یک شورای مشورتی جهت هدایت مبارزه ضد امپریالیستی متشکل از همه صاحبنظران و مبارزان متعهد و مسلمان تشکیل گردد.

یک برنامه مشخص برای مقابله با دشمن تنظیم و مبنای کار قرار گیرد، این اقدام به‌نفع انقلاب و بسود شماست در اقدام به‌تشکیل آن تردید نکنید و تعلل نورزید.

والسلام

بقیه از صفحه ۲

درآمد دربرابر کار

فروش، کفن، بزرگری، قصابی، گندم فروشی و برده فروشی نگار زیرا کسی که کفن می‌فروشد دوست دارد و آرزو می‌کند امت من بمیرند (به‌انگیزه کسب سود) در حالیکه بچه شیرخوار امتم را بیشتر دوست دارم از هر چیزی که آفتاب بر آن بتابد، زرگری ــ چون سازنده زینت و جواهرات ثروتمندان است، و به‌تعبیری عامل ناپاکی امتم می‌باشد ــ و قصابی ــ چون کسی که دائماً کارش ذبح است، رحم و شفقت از قلبش بیرون می‌شود و گندم فروشی ــ زیرا طعام را احتکار می‌کند. اگر بنده‌ای به‌صورت دزد نزد خدا بیاید بیشتر دوست دارم تا وارد شود در حالیکه بمدت ۴۰ روز گندم را احتکار کرده باشد. و بالاخره برده فروش ــ زیرا جبرئیل بمن گفت ای محمد، بدترین مردم امت تو کسانی هستند که کارشان خرید و فروش مردم است.»۵۰

ادامه دارد

زیرنویس:

۱ ــ فروع کافی ــ ج ۶
۲ ــ وسایل ج ۸
۳ ــ سورهٔ نساء آیه ۳۲
۴، ۵ ــ فروع کافی ــ ج ۶ و وسایل ج ۸
۶ ــ فروع کافی ــ ج ۵
۷ ــ همان مأخذ
۸، ۹ ــ همان مأخذ
۱۰، ۱۱، ۱۲ ــ همان مأخذ
۱۳ ــ الناس شرکاء فی‌الثلاث ــ الماء ــ والکلاء والنّار
۱۴ ــ ان الارض‌لله ولمن عمرها
۱۵ ــ فروع کافی ــ ج ۵
۱۶، ۱۷، ۱۸ ــ همان مأخذ
۱۹، ۲۰ ــ همان مأخذ
۲۱ ــ وسائل و در تهذیب ــ ج ۲
۲۲ ــ همان مأخذ
۲۳ ــ وافی
۲۴ ــ وسایل ــ فروع کافی
۲۵ ــ وسایل الشیعه
۲۶ ــ همان مأخذ
۲۷ ــ بقره ۲۱۹
۲۸ ــ حشر ۹
۲۹ ــ بقره ۲۳۷
۳۰ ــ توبه ۷۶، ۷۵
۳۱ ــ وسایل، فروع کافی
۳۲ ــ نهج‌البلاغه
۳۳ ــ وسایل الشیعه

قابل توجه خواهران و برادران خارج از کشور

برای اشتراک می‌توانید وجوه امّت را به‌حساب بانکی شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه ۳۸۶۳ خیابان مبارزان، مطهری واریز و کپی حواله را همراه با آدرس متقاضی برای دفتر امّت ارسال نمائید. بهای امّت برای ۶ ماه ۸۰۰ ریال و برای یکسال ۱۶۰۰ ریال می‌باشد

امور توزیع

***

خواهران و برادران مبارز

کمک‌های مالی خود را می‌توانید به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه ۳۸۶۳ خیابان مبارزان، مطهری واریز و کپی حواله را بآدرس بهار شمالی نبش نامجو دفتر جنبش ارسال دارید.

جنبش مسلمانان مبارز

***

از مسئولین پخش «امّت» در شهرستانها خواهشمندیم برای ادامهٔ نشر و توزیع «امّت» بدهی خود را هرچه زودتر واریز نمایند. با پرداخت به‌موقع بدهی خود، ما را یاری کنید.

امور مالی و توزیع

تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد